معرفت نامه

دینی، علمی، فرهنگی، اجتماعی
ارگان نشراتی انجمن اخلاق و معرفت
دفتر ساحوی جمعیت اصلاح افغانستان

۱۷۷

سال پانزدهم ، شماره‌ی نهم عقرب ۱۳۹۶ هجری شمسی، مطابق با صفر ۱۴۳۹ هجری قمری، برابر نوامبر ۲۰۱۷ میلادی

در این شماره می‌خوانید...

سرمقاله
نگاهی به وضعیت اقتصادی ...
تبعات ویرانگر چشم چرانی
دل؛ رهبر و سلطان وجود
تغذیه کودک با شیر مادر
فانوس ادب
کمّ یا کیف، جسم یا جان!؟
رحمت، نخستین خشت در ...
ریزشی برای خیزش
اخبار جهان اسلام
گزارش

بسم الله الرحمن الرحیم

چشمه سار قرآن وسنت

عَنْ جَاْبِر بْنِ عَبْدِ الله رضی الله عنهما قَاْلَ: قَاَلَ رَسُولُ اللهِ – صلی الله علیه وسلم –:
«مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَنْفَعَ أَخَاهُ فَلْيَفْعَلْ». [رواه مسلم]

از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که: رسول الله – صلی الله علیه وسلم – فرمود: «هر کس که توانایی نفع رسانی به برادرش را دارد، این کار را انجام دهد».

معرفت نامه دینی، علمی، فرهنگی، اجتماعی

صاحب امتیاز: جمعیت اصلاح افغانستان
دفتر ساحوی هرات(انجمن اخلاق ومعرفت)
مدیر مسئول: عبدالقدیر « صالحی» ۰۷۰۰۴۱۴۸۶۶
سردبیر: عبدالخالق احسان ۰۷۸۹۰۰۸۱۵۲
هیأت تحریر:
محمد سهراب ناصری، بصیراحمد مبصر
سید مسلم لبیب، عبدالرحمن عزام.
دیزاین: عبدالظاهر « فیاض »

* معرفت مطالب چاپ شده را به جز سرمقاله الزاماً بیانگر مواضع خود نمی داند.
* از پیشنهادات، انتقادات و مطالب ارسالی شما استقبال می شود.
* حق ویرایش و پیرایش را برای خود محفوظ می داند.
* معرفت از همه قلم به دستان و فرهنگیان کشور تقاضای همکاری معنوی دارد.
* نوشته های تان را به نشانی دفتر انجمن اخلاق و معرفت – بخش نشرات
ویا از طریق ایمیل ماهنامه برای مان بفرستید.
* آدرس: سرک باغ آزادی، جاده ابن سینا، ابن سینا –۱ – انجمن اخلاق و معرفت
تلفن: ۰۴۰ – ۲۲۳۷۰۱۲

جاهای فروش:

کابل: چهار راهی انصاری، انتشارات رسالت، سرک سیلو، بلاک های شاداب ظفر، انتشارات اصلاح افکار.
هرات: انتشارات ابن عربی، فاروقی، محمدی، ندای اسلام، آفاق ودیگر کتباخانه های شهر.
بلخ: شهر مزار، شرق روضه، عثمانی مارکت، منزل سوم، کتابخانه عمومی رسالت. مبایل: ۰۷۹۹۳۷۹۳۲۴
فراه: شهر فراه، قلعه ارباب، چهار راهی مولوی، مرکز علمی فرهنگی توحید ۰۷۹۴۳۵۵۹۷۳
بادغیس: شرق مسجد جامع بزرگ، مارکت برادران امینی، منزل دوم، کتابخانه امام ابوحنیفه(رح). ۰۷۹۷۸۸۴۸۵۸
تخار: بازارچه کتاب، کتاب فروشی مولوی‌حبیب الرحمن. مبایل ۰۷۷۹۶۳۴۱۹۲
نیمروز: شهرزرنج، سرک د افغانستان بانک ، جنب ریاست زراعت دفتر جمعت اصلاح ۰۷۹۵۷۷۴۴۲۵
بغلان: شهر پل خمری، عقب کابل بانک، آموزشگاه اندیشه، دفتر ساحوی جمعیت اصلاح ۰۷۰۵۴۹۳۵۱۲

تیراژ: ۱۳۰۰ جلد با توزیع همزمان در هرات و بلخ
مسئول عمومی توزیع معرفت: محمد قاسم محق ۰۷۹۸۶۰۴۳۲۶ – ۰۷۸۵۲۶۳۷۷۳
پست الکترونیک: Marefatmonthly@yahoo.com
آدرس وب سایت: **www.eslahonline.net**
آدرس وب سایت جمعت اصلاح هرات : **www.akhlaqmarefat.com**
تلگرام : **@akhlaqmarefat**

قیمت هرشماره ۱۵ افغانی

چاپ: شرکت چاپ و نشراسلمی
شمال پارک مسجد جامع بزرگ هرات ۲۲۲۹۶۶۴

سرمقاله

فقط اسلام محور است!

اتحاد و کار جمعی منظم، از شروط و ضرورتهای حتمی و اساسی برای پیشبرد هر کار و هر فکر و مرام به حساب میآید و بدون آن هیچ هدفی محقق نمیشود و به جایی نمیرسد. وقتی مینگریم که یک هستهٔی کوچک اجتماعی یعنی خانواده، بدون وحدت و هماهنگی با سایر اعضا، هرگز درست مدیریت نمیشود، چگونه امکان دارد که ما بتوانیم به عنوان یک مسلمان، اهداف بزرگی همچون اعلای کلمه الله، نابودی فساد و طغیان و ایجاد تمدن و شکوه اسلامی را بدون هماهنگی و همگرایی با دیگر ابنای امت اسلامی خود، تحقق بخشیم!

از همین روست که اسلام از طریق قرآن و سنت و روش اصحاب پیامبر گرامی مان، نصوص فراوانی را در اختیار ما میگذارد که به اتفاق و کار جمعی فرمان میدهد و از پراکنده گی و تفرق باز میدارد چنان که قرآن میفرماید: {واعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا} و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند که: «یدالله مع الجماعه» و امیر مومنان عمر فاروق رضی الله عنه باور دارد که :« لا اسلام الا بالجماعهٔ.» اسلام بدون جماعت وجود ندارد!

و اما ای عزیزان مومن!

هر جماعت، گروه و ملتی، برایش، محوریتی دارد که حول آن گرد می آید و برای رسیدن به اهداف مشترک خود از آن طریق اقدام میکند، عده ای را مینگریم که حول محور زبان مشترک گرد هم آمده اند و یا به محور قومیت و ملیت و یا نژاد و سمت و غیره تجمع میکنند، اما اسلام هیچ یک از این محاور را بر نتابیده و در خور شأن و اعتبار انسان نمیداند و فقط محور اسلام را، برای جامعه و امت اسلامی پیشکش میکند و آن را یگانه راه نجات و رسیدن به خیر و فلاح و کامیابی در این جهان و سرای واپسین معرفی میدارد.

مع الاسف به علت اوضاع نابسامانی که از چند دهه بدین سو، در کشور اسلامی ما حاکم است، مردم مسلمان ما به بهانه های مختلف از یک دیگر فاصله گرفته اند و کم نیستند آنانی را که مینگریم، به جای تجمع حول محور اسلام و یکتاپرستی، از هرسو نعره‌های قوم پرستی و زبان پرستی و... سر میدهند و این چنین آتشی خانمان سوز برپا کرده اند که دم به دم، وسعت آن می افزاید و دشمنان این خاک و مردم، نیز به صورت علنی بر آن میدمند و آن را از پیش شعله ورتر میسازند!

وقت آن رسیده که با قاطعیت هرچه بیشتر، این پیام جانانهٔی اسلام را به همهٔی فرزندان مسلمانی که فریب دسیسه های شیطانی را خورده و حول محورهای ناپاک قومیت و زبان و ملیت تجمع کرده اند برسانیم که پیامبر محبوب ما فرموده اند که ای فرزند ایمان و ای زادهٔی مکتب انسان ساز اسلام!« دعوها فانها منتنهٔ »

(این تعصب خام و احمقانه را رها کن که بسیار بد بو است!)

به راستی هم که امروز فضای کشور از اثر این گند منتن، به حدی مکدر و مسموم و تهوع آور به نظر میآید که هیچ انسان مومن آزاده و با غیرتی، آن را تحمل کرده نمیتواند، چه همین فضای تاریک است که از یک سو زمینه را برای حضور بیشتر بیگانگان و نوکران رنگارنگ شان در این دیار ممکن ساخته و از سوی دیگر موجبات تفرقه و دشمنی ابنای با هم برادر این سرزمین را فراهم آورده است. این حالت نحس، چنان آتش جنگ و ویرانی و فساد رو به افزایش را در هر طرف بر افروخته که هیچ تضمین و امانی حتی برای یک روز زنده گی آبرومندانه و شرافتمندانهٔی مطمئن برای ساکنان این خطه فراچشم نمی آید!

به طور یقین راه برون رفت از این معضلات مهلک و چارهٔی همه مشکلات ما، مراجعه به دساتیر زنده گی ساز اسلام عزیز از طریق اتحاد مردم و اقدام به کارهای جمعی منظم حول محور اسلام و دعوت اسلامی است که باید ابتدا توسط خود مردم مسلمان ما مورد مطالبهٔی جدی قرار گرفته و در عرصه های مختلف حیات فردی و اجتماعی ملت ما، نمود و مصداق عملی پیدا کند و آن گاه است که ما شاهد تغییرات مثبت بنیادی در دیگر سطوح زنده گی نیز خواهیم بود.

در غیر آن صورت، با خیال پردازی و خام اندیشی و آویختن به ریسمانهای پوسیدهٔی این و آن، هرگز نمیتوانیم از این مخمصه و گرداب مهیبی که بدان گرفتار آمده ایم، جان سالم به در بریم! آری! این فرمان حق میبایست آویزهٔی گوش مان باشد که فرمود: الله سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمیدهد مگر که آنان خود در خویشتن تغییر آورند.

نگاهی به وضعیت اقتصادی کشور در زمان حکومت وحدت ملی

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی

سران حکومت وحدت ملی با تعهدات چون ایجاد اشتغال، بهبود وضعیت صادرات، افزایش میزان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، بهبود در روند جمع‌آوری مالیات، فراهم ساختن مسکن مناسب و ارزان و صدها وعده ی دیگر خود، مردم را به رونق زندگی و بهبود اقتصاد شان امیدوار ساختند.

رهبری حکومت وحدت ملی همواره تاکید کرده که تلاش دارد از موقعیت استراتژیک افغانستان، به عنوان چهارراه آسیا و ترانزیت کالا به کشور های آسیای میانه استفاده کند؛ از قابلیت‌های زراعتی کشور در رشد اقتصادی سود ببرد، معادن افغانستان را به گونه ی حرفه ای و موثر استخراج نماید و با قانونمند ساختن جمع‌آوری و مصرف مالیات، به یک اقتصاد پایدار در این کشور برسد.

با این همه، در زمان حکومت وحدت ملی که نزدیک سه سال از تشکیل آن می‌گذرد، هنوز هم ۳۹٫۱ درصد مردم افغانستان با فقر و بیکاری دست و پنجه نرم می‌کنند. هر چند نظر به گزارش بانک جهانی، وضعیت مالی و رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۵ نظر به سالهای قبل از آن بهبود یافته است، ولی ادامه ی جنگ و ناامنی‌ها در کشور، تاثیر ناگوار بر معیشت، تجارت وکاروبار داشته است.

در این تحلیل بر وضعیت اقتصادی افغانستان پس از تشکیل حکومت وحدت ملی پرداخته شده و روی مسایلی چون رشد اقتصادی، ارزش پول افغانی، واردات و صادرات و نیز وضعیت فقر و بیکاری بحث صورت گرفته است.

رشد اقتصادی

رشد اقتصادی افغانستان از سال ۲۰۰۱م تا سال ۲۰۱۲م به گونه ی اوسط ۹ درصد بود. در طول این مدت، اقتصاد افغانستان بیشترین رشد را در سال ۲۰۰۹م داشته است. در این سال میزان رشد اقتصادی کشور ۲۱ درصد بود. اما پس از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۶ رشد اقتصادی افغانستان در وضعیت خوبی قرار نداشت. در سال ۲۰۱۰م ۸٫۴ درصد، در ۲۰۱۱م ۶٫۱ درصد، در ۲۰۱۲م ۱۴٫۴ درصد، در سال ۲۰۱۳م ۱٫۹ درصد، در ۲۰۱۴م ۲ درصد، در سال ۲۰۱۵م ۱٫۵ درصد و در سال ۲۰۱۶م این رقم به ۲٫۲ در صد رسید.

اینکه در طول سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۶م، رشد اقتصادی کشور در سال ۲۰۰۹م افزایش یافت، دلیل آن نیز وضعیت نسبتا خوب امنیتی و سیاسی افغانستان در سال‌های قبل از همین سال بود. از سوی دیگر، در سال‌های قبل از این سال موضوع خروج نظامیان خارجی از کشور نیز مطرح نبود، ولی پس از ۲۰۰۹م –به استثنای سال ۲۰۱۲ که رشد اقتصادی نسبتا خوب (۱۴٫۴ درصد) بود و دلیل عمده ی آن افزایش محصولات زراعتی کشور بود– تا اکنون رشد اقتصادی کشور رو به کاهش بوده که عوامل آنرا می‌توان چنین برشمرد:

۱- در سال ۲۰۰۹م ایالات متحده برنامه ی خروج نیروهای خود از افغانستان را اعلام کرد که باعث ایجاد بی‌باوری‌ها در تجارت و سرمایه گذاری گردید.

۲- پس از سال ۲۰۰۹م وضعیت امنیتی افغانستان روز به روز وخیم‌تر گردید و دامنه ی جنگ به مناطق نستاً امن‌تر نیز گسترش یافت.

۳- در سال ۲۰۱۳م، به دلیل امضاء نشدن پیمان امنیتی با امریکا اختلافات در کشور بیشتر شد. کشور با بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی روبرو شد. میزان سرمایه گذاری کاهش یافت، سرمایه گذاران از وضعیت آینده ی کشور نگران بودند و به همین دلیل رشد اقتصادی در این سال ۱٫۹ درصد شد.

۴- در سال ۲۰۱۴م رشد اقتصادی ۲ درصد بود. در این سال نیز عوامل عمده ی پایین آمدن میزان رشد اقتصادی، افزایش بی‌ثباتی امنیتی و سیاسی، تاخیر در تشکیل حکومت جدید و نیز تا اندازه ای خروج نیروهای خارجی بود که کاهش مصارف آن‌ها در کشور، بر وضعیت اقتصادی نیز تاثیر کرد.

۵- در سال ۲۰۱۵م نیز، وضعیت امنیتی کشور، اختلافات داخلی حکومت و نیز برگشت مهاجرین افغان از کشورهای همسایه باعث پایین آمدن رشد اقتصادی به ۱٫۵ درصد شد.

۶- در سال ۲۰۱۶م، با آنکه وضعیت امنیتی و سیاسی کشور بیش از پیش نگران کننده بود، اما با اعلام کمک‌های بین المللی در کنفرانس بروکسل و نیز نشست وارسا، رشد اقتصادی افغانستان به ۲٫۲ درصد افزایش اندکی داشت.

بانک جهانی در گزارش خود پیش بینی کرده است که رشد اقتصادی افغانستان در سال ۲۰۱۷م به ۲٫۶ درصد افزایش خواهد یافت و به تدریج به ۳٫۶ درصد تا سال ۲۰۲۰م خواهد رسید. اما در این زمینه ثبات سیاسی و امنیتی در افغانستان مهم است.

ارزش پول افغانی

قبل از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی

در زمان مبارزات انتخابات ریاست جمهوری، ارزش افغانی در مقابل یک دالر امریکایی ماهانه به گونه ی اوسط ۵۷,۲۲ افغانی بود، اما بعد از تشکیل حکومت وحدت ملی تا آخر ۲۰۱۴م ارزش افغانی در مقابل یک دالر امریکایی ماهانه به گونه ی اوسط به ۵۸,۱۸ درصد رسید. در اوایل سال ۲۰۱۵م دوباره ارزش افغانی در مقابل دالر خوب شد، چنانچه در ماه جنوری این سال ارزش پول افغانی در مقابل یک دالر ۵۷,۷۶ افغانی و در ماه فبروری ۵۷,۴ افغانی بود.

از دو ماه نخست سال ۲۰۱۵م به این‌سو، پول افغانی دوباره در مقابل دالر ارزش خود را به تدریج از دست داد. در اواخر همین سال ارزش یک دالر امریکایی در مقابل افغانی به ۶۷,۲۵ افغانی رسید. این وضعیت در سال ۲۰۱۶ نیز ادامه داشت و اکنون –که در نیمه ی دوم سال ۲۰۱۷م قرار داریم– ارزش یک دالر امریکایی در مقابل افغانی به ۶۸,۵۰ افغانی رسیده است.

در پایین آمدن ارزش پول افغانی، چند عامل زیر نقش دارد:

۱-بلندرفتن ارزش دالر در بازارهای جهانی؛
۲- شرایط خراب امنیتی، سیاسی و اقتصادی در کشور؛
۳-ارزش مصنوعی پول افغانی؛
۴-کاهش تقاضای پول افغانی در مارکت.

میزان واردات و صادرات

نظر به ارقام اداره ی مرکزی احصائیه، صادرات اموال ثبت شده ی رسمی در سال ۱۳۹۵ هـ ش.، در حدود ۵۹۶,۵ میلیون دالر بود. این در حالی است که میزان صادرات در سال ۱۳۹۴ هـ ش ۵۷۱,۴ میلیون دالر بود. در تازه ترین ارقام این اداره می بینیم که در ربع اول سال ۱۳۹۶ هـ ش مجموع صادرات افغانستان ۱۲۴,۱ میلیون دالر بود. بخش بزرگ این صادرات را قالین و میوه های خشک وتازه افغانستان تشکیل می‌دهد.

واردات اموال ثبت شده ی رسمی در سال ۱۳۹۵ به۶۵۳۴,۱ میلیون دالر می‌رسد و این رقم در مقایسه به سال ۱۳۹۴ –که ۷۷۲۲,۸ میلیون دالر بود– به میزان ۱۵,۴درصد کاهش یافته است. نظر به ارقام اداره ی مرکزی احصائیه، در ربع اول سال ۱۳۹۶ هـ ش، مجموع واردات ۲۰۸۹,۹ میلیون دالر بود.

علاوه بر این، در تورید مواد نفتی، ماشین آلات، تجهیزات و وسایط ترانسپورتی، فلزات و محصولات فلزی، گندم و آرد گندم در مقایسه به سال ۱۳۹۴ به اندازه ی ۱۵,۴ درصد کاهش دیده می شود. بنابراین، مجموع دوران تجارت در سال ۱۳۹۵ به ۷۱۳۱ میلیون دالر رسیده که ۱۹,۶ درصد آن را واردات و ۸,۴ درصد آن را صادرات تشکیل می‌دهد.

در کنار این بلانس تجارت در سال‌های ۱۳۸۷–۱۳۹۵ هـ ش کسر داشته است، چنانچه از ۲۴۷۵ میلیون دالر امریکایی در سال ۱۳۸۷ هـ ش به ۵۹۳۸ میلیون دالر امریکایی در سال ۱۳۹۵ هـ ش رسیده است.

فقر و بی‌کاری

در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی ۳۶,۳ درصد نفوس افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کردند. اما در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲م نظر به گزارش بانک جهانی، این فیصدی به ۳۵,۸ درصد کاهش یافت که کاهش چشم‌گیری شمرده نمی‌شود.

ولی در گزارش تازه ی بانک جهانی و دولت افغانستان که از سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ میلادی تهیه گردیده، این وضعیت دوباره روبه خرابی نهاده و فیصدی فقر در این سال‌ها از ۳۵,۸ درصد دوباره به ۳۹,۱ درصد افزایش یافته است.

گزارش مشترک بانک جهانی و دولت افغانستان، دلیل افزایش میزان فقر در افغانستان را، کاهش کمک‌های بین‌المللی، بحران بی‌کاری، بحران داخلی و گسترش جنگ در کشور عنوان کرده است.

این در حالی است که بعد از سال ۲۰۱۴م همه‌ساله در مناطق مختلف کشور جنگ رو به شدت است، بی‌جاشده‌گان داخلی به گونه‌ی بی‌پیشینه افزایش یافته است، صدها هزار مهاجر افغان از کشورهای دیگر بخصوص پاکستان و ایران به کشور خود برگشته اند و ده‌ها هزار جوان افغان نیز به دلیل میزان بلند بی‌کاری در کشور مجبور به ترک خاک خود شده اند. به همین دلیل –باوجود نبود ارقام دقیق فقر در حال حاضر– به نظر می‌رسد که این معضل نسبت به سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ اکنون بیشتر شده است.

در کنار این، در سال ۲۰۱۴ میلادی وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین افغانستان اعلام کرد که از جمله ۱۰ میلیون افراد واجد شرایط کار در افغانستان، حدود ۸۰۰ هزار آن در بی‌کاری مطلق به سر می‌برند.

ولی آمار بانک جهانی نشان می‌دهد که در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ میلادی نزدیک به دو میلیون نفر در افغانستان بی‌کار بودند که بیشتر آنها را جوانان تشکیل می‌دادند.

در این حال، وزارت اقتصاد افغانستان اعلام کرده است که وضعیت فقر –که ارتباط مستقیم با بی‌کاری دارد– در سال‌های پس از ۲۰۱۴م رو به بهبود است و در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ با رشد اقتصادی کشور، میزان فقر و بی‌کاری نیز رو به کاهش است.

ولی بانک جهانی در گزارش خود می‌نگارد که سالانه ۴۰۰ هزار نفر به نیروی کار در افغانستان افزوده می‌شود و از سوی دیگر دیده می‌شود که از سال ۲۰۱۴م جنگ در کشور رو به گسترش است و اکنون براساس گزارش اخیر سیگار، ۴۰ درصد خاک افغانستان تحت کنترول مخالفین مسلح دولت است و در کنار آن رکود اقتصادی در کشور نیز نگرانی از افزایش بی‌کاری را بیشتر کرده است.

تبعات ویرانگر چشم چرانی

نویسنده: استاد ضیاء احمد فاضلی
استاد پوهنتون هرات

در این مقال بر آنیم که به توفیق الله متعال حکم شرعی، اثرات زیانبار و میزان جدیت سلف صالح در خصوص چشم چرانی را به طور فشرده به قرار زیر به بحث بگیریم:

در اسلام، چشم دوختن مرد به چهره و اندام زن نامحرم به منظور لذت جویی نارواست، خداوند بزرگ می‌فرماید: {قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِکَ أَزْکَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ}]سورهٔ نور/۳۱[(به مردان مومن بگو چشمان شان را [از نگاه به نامحرمان و عورت دیگران] فرو اندازند و عفت خویش را حفظ کنند که این برای آنان پاکیزه‌تر است، یقیناً خداوند به آن چه می‌کنند آگاه است.)

سبب نزول

در شأن نزول این آیت امام ابن مردویه -رحمه الله- حدیثی را به نقل از حضرت علی کرم الله وجهه بدین شرح روایت می کند: (در عهد پیامبر -صلی الله علیه و سلم- مردی در یکی از کوچه‌های مدینه می‌گذشت، ناگهان چشمش به زنی افتاد، هریک به دیگری نگریستند.. شیطان، آن ها را به وسوسه گرفت و دریافتند که هر یکی به دیگری از روی طمع نگاه کرده اند، در همین اثنا که آن مرد، از کنار دیواری رد می‌شد و به وی می‌نگریست، نا گهان به دیوار تصادم نمود و از آن، دماغش شگافته‌شد، پس با خود گفت: به خدا قسم، خون چهره‌ام را نشسته با همین وضعیت نزد پیامبرخدا -صلی الله علیه و سلم- می‌روم و ایشان را به جریان موضوعم می‌گذارم. سپس نزد ایشان آمد و ماجرا را بازگو کرد. آن‌حضرت -صلی الله علیه و سلم- فرمودند: «هذا عقوبهٔ ذنبک» (این سزای گناه تو است) و الله -جل جلاله- این آیه را نازل فرمود: {قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم...} (به مردان مومن بگو تا چشمان شان را فرو اندازند). کنزل العمال.

این از لطف خداوند -جل جلاله- بود تا آن صحابی به اشتباهش پی برده و بداند که مرتکب گناهی شده که ممکن است اگر از آن توبه نکند، به فتنه هایی در آینده روبرو خواهد شد.

نظرات دانشمندان

مفسرین کرام، در ذیل آیت فوق، تحلیل های بس ارزنده داشته اند که ارزش دارد بدان ها به شرح زیر بپردازیم:

مفسرین در تفسیر این آیه گفته‌اند: از این که خداوند نخست ما را به فرو انداختن چشم، و به دنبال آن به حفظ عفت امر کرده است، دانسته می‌شود که تا چشم محافظت نشود، عفت محفوظ مانده نمی‌تواند. و اینک برخی از آراء مفسرین در توضیح این آیه:

امام ابن قیم رحمه الله- می گوید: «چون نگاه مقدمه و آغازگر فحشا است، بناءً دستور بر پوشیدن چشم از دستور بر حفظ شرمگاه مقدم شده است، زیرا تمام واقعات فحشاء آغازش از نگاه می‌شود. چنان که قضیه به ترتیب آتی است: اول نگاه است که منجر به اندیشه ی دل، و سپس حرکت و گام عملی و در نهایت انجام گرفتن کار بد می‌شود. لذا چشم‌چرانی، جلورو و قاصد شهوت است و حفظ و نگهداریش، اساس حفظ و نگهداری شرمگاه است، پس هر که زمام نگاهش را رها کند، بی تردید خود را به ورطه ی هلاکت انداخته است. و از آفاتش بر مؤمن این است که حسرت‌ها، اندوه‌ها و از درون سوختن را برای وی به بار می‌آورد، زیرا انسان چیزی را می‌بیند [و گرویده آن می‌شود] که نه قدرت دسترسی به آن را دارد، ونه توان صبر ورزی در برابر آن را. و این، بی شک از بزرگترین عذاب‌هاست». (روضة المحبین: ج۱، ص۱۰۵)

در جای دیگر امام ابن قیم(رح) گفته است: «چون فروانداختن نگاه در حفظ عفت نقش اساسی دارد، بناءً نخست از آن یاد شده است و هرگاه بنده چشمش را فرو اندازد، قلب نیز شهوت و تصمیمش را فرو می گیرد و هرگاه جلو چشمش را رها کند، قلب نیز جلو شهوتش را رها می کند». (روضة المحبین ج۱، ص۹۲)

از فضیل بن عیاض -رحمه الله- نقل است که ابلیس گفته است: نگاه، همان کمان قدیمی و تیر من است که هیچگاه به خطا نمیرود». (احیاء علوم الدین: ج۳، ص۱۰۲)

سید قطب شهید-رحمه الله- در تفسیرش می‌نویسد: «حفظ عورت [از فحشاء] پیامد طبیعی فرو انداختن چشم و گامی است در استواری اراده و نیز هوشیاریِ است در جهت خودنگهداری از افتادن در گناه و تسلط بر خواهش‌های نفسانی. از همین‌رو، بین آن دو در یک آیه جمع شده، تا معلوم شود که یکی حالت سبب و دیگری جایگاه نتیجه را دارد، و هر دو در صفحه ی ذهن و صحنه ی زنده‌گی، گام‌هایی پی در پی و نزدیک به نزدیکی هستند». (فی ظلال القرآن: ج۴، ص۸۱۱)

امام غزالی-رحمه الله- نیز می‌نویسد: «نگاه، سرآغاز زناست، پس حفظش بسی مهم است، با این همه هرچند تمام آفات از آن منشأ می‌گیرد، باز هم به دلیل این که مردم آن را عادی می‌پندارند و چندان از آن احساس خطر نمی‌کنند، امری است دشوار... نگاه حرام، منجر به نزدیک شدن به فاحشه ی بزرگ «زنا» می‌شود، و هر کس بر فرو انداختن نگاه خود قادر نباشد، بر حفظ عفتش نیز قادر نخواهد بود». (احیاء علوم الدین: ج۳، ص۱۰۲)

استاد مودودی-رحمه الله- می‌گوید: «چه کسی از این حقیقت می‌تواند انکار کند که تمام فحشاء و فجوری که تا امروز و تا همیشه به وقوع پیوسته و می‌پیوندد، اولین

وبزرگ‌ترین انگیزه‌اش نگاه است؟».(حجاب : ص ۳۰۸)

شاعر عرب زبانی چه زیبا گفته است:

كل الحوادث مبدأها من النظر
فمعظم النار من مستصغر الشرر

(چشم چرانی سرآغاز تمام واقعات فحشا و ارتباطات نامشروع است [هر چند به ظاهر کوچک به نظر می‌رسد، اما همانند] شراره ی کوچکی است که آتش سوزی‌های بزرگ را به بار می‌آورد.)

«نگاه پنجره ای است که چون با بی پروایی و بدون رمز گشوده شود، آتش شهوت و هیجان را بر خواهد افروخت، نگاه های آلوده زمینه ساز شعله ور ساختن طمع و ایجاد کششها هستند. نگاه های آلوده پیامدی جز فحشا، سیاهی دل و نکبتهای اجتماعی نخواهند داشت. نگاه جلورو دل، دام شیطان، بذر شهوت و رویشگاه فسق و فجور است، هرزگی چشم، دل را خواهد لرزاند، و آرامش و ثبات را از آن خواهد گرفت، فتنه ها بر خواهد انگیخت، فسادها بر خواهد آورد.»

یک خانم نویسنده انگلیسی در تمجید از حفظ نگاه و حجاب و مذمت بی حجابی و طغیان جنسی و شهوترانی در غرب می نویسد: «آزادی زنان در غرب رفته رفته منجر به از دست رفتن محبت همسران از قلوب یکدیگر خواهد شد. بنا براین بخدا سوگند، این احوالِ فاقد عفت و ننگین ما را وادار می کند که تغییر جهت داده و با علاقه و میل پایبند حجاب شرقیها (مسلمانان) باشیم تا هنر محبت و عشق حقیقی را از سر نو یاد بگیریم.»

آری دنیای غرب از این بی حجابی و چشم چرانی مطلق به ستوه آمده و به معایب و فرایندهای آن اعتراف می کند، عفاف و پاکدامنی و ضبط نگاه از صفات مهم و ایده آلی است که که خداوند متعال در توصیف خصایل اخلاقی زنان سیمین بدن بهشتی و پاک طینت می فرماید:

{فیهن قاصرات الطرف لم یطمثهن انس قبلهم و لا جان} (در باغهای بهشت زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی ورزند و پیش از آنان کسی از انسانها و پریها با ایشان نزدیکی و مقاربت نکرده است.)

و در توصیف رسول اکرم در شمایل ترمذی آمده است: «و كان خافض الطرف، نظره الی الارض اطول من نظره الی السماء.. و كان اشد الناس حیاء» (آن حضرت چشم به زیر بودند، نگاه شان به زمین طولانی تر از نگاه شا به آسمان بود .. و از همه مردم در حیاء شدیدتر بودند.)

حساسیت پیامبر صلی الله علیه و سلم در برابر نگاه به نامحرم

ضررهایی فراوانی که چشم چرانی دارد سبب شده است تا پیامبر صلی الله علیه وسلم در برابر آن حساسیت شدید نشان دهند، چنان که عبدالله فرزند عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند: ([در جریان ادای مناسک حج] فضل به عقب پیامبر صلی الله علیه و سلم سوار بود. در همان اثنا زنی از مردم خثعم آمد و سوال شرعی از پیامبراکرم صلی الله علیه و سلم داشت. در این حال فضل به آن زن شروع به نگاه کرد و آن زن به فضل و پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم وقتی متوجه این وضعیت شدند چهره ی فضل را به سمتی دیگر بر می‌گردانیدند). صحیح البخاری

امام ترمذی در روایت خویش علاوه می‌کند که حضرت عباس از آن‌حضرت پرسید: (ای رسول خدا! چرا چهره‌ی فرزند کاکایت را به سمت دیگر برگردانیدی! فرمودند: دختر و پسر جوانی را دیدم و از وسوسه‌ی شیطان در حق ایشان احساس امن نکردم).

البته از روایات معلوم می‌شود که این ماجرا در جریان مراسم حج بوده است. پس هر گاه نگریستن دختر و پسر جوان به یکدیگر، حتی اگر از صحابه و در مراسم حج که جای معنویت است و در حضور پیامبراکرم صلی الله علیه و سلم که نزولگاه رحمت است باشد، نیز فتنه‌آورباشد، دیگر در شرایط امروز که دختر و پسر جوان ما در حضور با صفای پیامبر صلی الله و علیه و سلم و در معنویت گاه منی و مزدلفه و عرفات هم قرار ندارند و هرگز به طهارت نفس اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم هم نمی‌رسند، پس این کار، چه اثرات بد شیطانی را بر روح و روان ایشان بجا خواهد گذاشت؟ به‌ویژه که چه بسا با حالت و سیمای آراسته و لباسی نا مناسب، و احیاناً با ناز و کرشمه و صحبت‌های طولانی همراه باشد. پس تعجبی ندارد اگر می-بینیم پیامبر صلی الله علیه و سلم از جانب خداوند حکایت می کنند که او تعالی چشم چرانی را چنین توصیف می کند: (نگاه [بر نامحرم] تیر زهرآلود شیطان است [که برقلب بیننده می‌نشیند و تدریجاً او را به هلاکت می‌کشاند] هر کس آن را به خاطر ترس از من ترک کند، در عوض آن، برایش ایمانی می‌بخشم که شیرینی اش را در قلبش احساس کند.) معجم الکبیر

چنان که می بینیم پیامبر صلی الله علیه و سلم به خاطر نجات امت خویش از شر چشم چرانی، همان گونه که چشم چرانی را چون تیر زهر آلود شیطان، خطرناک معرفی کردند، به حفظ نگاه از حرام بسیار ارزش قایل شده و آن را یکی از وجوه مهم تقرب به الله -جل جلاله- قرار دادند.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله نورانیتی که از حفظ نگاه برای جوان مسلمان عاید می‌شود، را از آیات قرآن نیز استنباط می‌کند، آن جا که می‌گوید: «در آیه ی۳۰سوره ی نور، الله -عزوجل- زن و مرد مسلمان را از چشم چرانی منع می‌کند، و به دنبال آن، آیه ی {الله نور السموات والأرض...} قرار گرفته است که خدا را نور و روشنگر آسمان و زمین معرفی می‌کند، رازش این‌است تا این نکته را برساند که

محافظت چشم از گناه، به قلب نور و درخشنده‌گی می‌بخشد، همچنان‌که رها کردن جلو چشم، قلب را تاریک و سیاه می‌گرداند». (مجموع الفتاوی: ج۲۱، ص۲۵۷)

در فضیلت حفظ نگاه از حرام، امام طبرانی نیز حدیثی را به روایت معاویه بن حیدره رضی الله عنه از آن حضرت صلی الله علیه و سلم روایت می کند که فرمودند: (سه کس اند که چشم‌شان آتش جهنم را نمی‌بینند: چشمی که در جهاد راه خدا پاسداری کرده‌باشد، چشمی که از ترس خدا گریسته باشد و چشمی که ازدیدن به محرمات الهی]مانند: چشم چرانی و دیدن به عورت دیگران[خودداری کرده باشد). معجم الکبیر پیامبر صلی الله علیه و سلم بهشت را به کسانی که دارای صفات نیک بوده و از جمله: نگاه شان را از گناه محافظت می کنند، ضمانت می کنند، چنان که عباده بن‌صامت رضی الله عنه از آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم روایت می‌کند که فرمودند: (شش چیز از خود را به من ضمانت دهید تا من بهشت را برای‌تان ضمانت کنم: ۱) هنگامی‌که سخن می‌گویید راست بگویید، ۲) هنگامی‌که وعده می‌کنید وفا کنید، ۳) هرگاه امانتی به شما سپرده می‌شود، آن را اداء کنید، ۴) عفت تان را محافظت کنید، ۵) دیده‌گان تان را]از چشم‌چرانی و عورت دیگران[فرواندازید، ۶) دست تان را از آزار رسانی باز دارید.) صحیح ابن حبان اهمیت حفظ چشم از حرام را از آن جا هم درک می کنیم که پیامبر صلی الله علیه و سلم آن را یکی از اهداف ازدواج عنوان کردند، چنان که به روایت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از ایشان می فرمایند: (ای گروه جوانان! هرکه از شما توان ازدواج دارد، ازدواج کند، زیرا ازدواج چشم را بهتر پوشیده داشته و عفت را نیکوتر محافظت می کند، و هرکه توان ازدواج را ندارد، روزه بگیرد، زیرا روزه، وی را تسکین می‌بخشد]اراده‌اش را قوی، پاداشش را زیاد و از گزند وسوسه‌های شهوانی محافظتش می‌کند[). صحیح البخاری از آن جا که کوچه و بازار تردد‌گاه زنان و زمینه برای چشم چرانی مهیا است، لذا پیامبر صلی الله علیه و سلم از نشستن بر سر بازار و کوچه منع کردند و اگر شخص از آن چاره یی نداشته باشد، مانند این که دکاندار، دریور، کارگر و.. بوده و محل کارش بازار باشد، پیامبر صلی الله علیه و سلم ادب فرواانداختن چشم را برایش توصیه می کنند، چنان که در این باره امام بخاری و امام مسلم به نقل از ابوسعید خدری رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می‌کنند که فرمودند: (از نشستن برسر راه‌ها بپرهیزید! صحابه گفتند ما چاره‌ای نداریم جز این‌که در آن بنشینیم]و به نیازمندی های خویش رسیده‌گی کنیم[. آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند: اگر جز نشستن را نمی‌پذیرید، پس حق راه را بپردازید. صحابه پرسیدند که حق راه چیست؟ آنحضرت فرمودند: فرواانداختن چشم]ازدیدن نامحرمان[، خود داری از آزار رسانی، سلام را پاسخ دادن و امر به معروف و نهی از منکر). صحیح البخاری.

از نصوص بالا روشن شد که گفته‌ی برخی کوته نظران در حالی که فریب نفس و شیطان را خورده و می‌گویند: باید بار بار به جنس مخالف چشم دوخت تا دیدنش در نگاه مان عادی شود، چقدر پوچ و به دور از واقعیت است... پاسخ این شبهه را قرن ها پیش امام ابن قیم رحمه الله به نیکی داده است؛ آنگاه که از وی پرسیدند در باره ی مردی چه می‌گویید که به زنی نگاهش می‌افتد و از آن، قلبش گرویده ی وی می‌شود تا آنجا که کار را برایش دشوار می‌سازد، نفسش به وی می‌گوید: این همه از نگاه اول است، اگر دوباره به وی بنگری این وابستگی از بین می‌رود (چشمت از دیدنش سیر، خاطرت جمع و دلت آرام می‌گیرد).

ابن قیم رحمه الله بعد از ادای سپاس خداوند متعال گفت: این کار به ده دلیل نارواست.. [ما به سه مورد آن اکتفاء می‌کنیم.]

اول این که خدای متعال ما را به غض بصر (فروهشتن چشم) دستور داده و شفاء قلب را در آنچه بر بنده‌گان حرام ساخته نگذاشته است.

دوم این که پیامبر صلی الله علیه و سلم از نظر ناگهانی سوال شدند، ایشان دانستند که نگاه اولی در قلب تأثیر می‌گذارد، بناءً، علاجش را در گردانیدن نگاه تجویز کردند؛ نه در تکرار یا دوام آن. [اگر درمان این تأثر قلبی به تکرار یا دوام نگاه می‌بود، به آن اجازه -و بلکه دستور می‌دادند- نه این که از آن منع کنند].

سوم این که هرگاه نگاه اولی [همان‌گونه که از حدیث دانسته می‌شود] تیر زهرآلود شیطان باشد، روشن است که دومی زهرش شدیدتراست، پس چگونه می‌توان یک مسموم و زهر رسیده را به زهر درمان کرد؟..».(روضة المحبین: ج۱، ص۹۳)

در آیه ی مبارکه هم یک اشارت لطیفی است، آن جا که الله متعال می فرماید: {قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ} [آنگاه می‌گوید]: بنگر که چگونه خداوند متعال در این آیه غض بصر را بر حفظ شرمگاه مقدم نموده‌است، و این بدان جهت است که نگاه پیک زنا و جلورو فجوراست.

خوف سلف صالح از چشم چرانی

بر اساس توضیحات بالا است که سلف صالحین ما در حفظ نگاه شان بسیار جدی بوده و از فتنه ی نگاه خیلی ترس داشتند، هر چند ایمان‌های قوی و نفس‌های پاکیزه و باصفا داشتند، باز هم در برابر جاذبه ی زنان خود را ضعیف می‌دیدند.

حضرت انس رضی الله عنه می‌گفت: هرگاه زنی از کنارت می‌گذشت، نگاهت را تا وی دور می‌شود- بر زمین انداز.

ادامه آن به صفحه۱۱

دل؛ رهبر و سلطان وجود

نویسنده: عبدالرحمن عزّام

دل یکی از مهمترین اجزای وجود انسان بوده و در سرزمین و عالمِ جسم، نقش رهبر و فرمان‌دِه را دارد. همه خواسته‌ها و اراده ها به آن بستگی دارد و با دستور او، تمام اعضای وجود باتسلیمی‌ای تمام عیار، گوش به فرمان می‌سپارند و سر بر خط اطاعت می‌گذارند و هرگز هوای سرتابی و خیال سرپیچی در سر راه نمی دهند.

این پاره‌ی کوچک از وجود، هم از لحاظ ماده و عالم جسم، و هم از لحاظ معنی و عالم روان، در وجود انسان نقش ارزنده و بسزایی را ایفا می نماید؛ طوری‌که در عالم جسم، اگر قلب به اندک مشکل و کوچکترین بیماری ای برخورد، زندگی برای انسان سخت و آشفته خواهد شد و دیگر روی سلامتی ذهن و آرامی روان را ندیده و همه‌ی وجود به پاس توقف و ایست او، از کار می افتند. و همچنین هرگاه از لحاظ امور معنوی و فعالیت‌های تربیتی و روحی نیز دل و قلب انسان به مشکل و بیماری ای از امراض معنوی دچار گردد، زندگی انسان آشفته و آرامش از آن کوچ خواهد کرد و هر لحظه با احساس شقاوت و بدبختی، دمی آرام نخواهد گرفت.

براستی این پاره‌ی کوچک از جسم انسان است که راه و مسیر او را تعیین و سعادت و شقاوت او را تضمین می نماید؛ که هرگاه صلاح پذیرفت، انسان ره به سوی فلاح و رستگاری پیموده و بدان سوی قدم می‌گذارد و هر آن که با صلاح، سرستیز در پیش گرفت و عازم کوی فساد شد، عاقبت و آخرت انسان را به تباهی کشیده و او را رهنمون عذاب الهی خواهد نمود. عالم وارسته عز بن عبدالسلام رحمه الله پیرامون موضوع مذکور می‌گوید: «این بدین معنی است که اگر دل با کارها و حالت‌های نیکو صلاح یابد، بدن به کلی با طاعت و گوش به فرمانی اصلاح می پذیرد، و چون با زهر نادانی‌ها و حالت‌ها و کارهای زشت، تباه شود، بدن به کلی با بدکرداری و نافرمانی رو به تباهی نهد.» [کردارهای قلب، محمد بن صالح منجد، ص. ۶ به نقل از قواعد الأحکام، ۱/ ۱۶۷]

و در این میان این انسان است که با کشاندنِ دل و قلب به هدایت الهی خود را از عقوبتِ سختِ آخرت برهاند و یا با رها نمودنِ آن در دام دو دشمن توانمند، (کشش های نفسانی و اغواهای شیطانی) خویشتنِ خویش را از بهره‌های زیبای بهشت برین الهی محروم و اسیر و در بندِ عذابِ ابدی او گرداند.

آری! قلب؛ سلطان وجود است و همه اعضای وجود با اتخاذ فرمان از او، به راه صلاح یا به سوی فساد رهسپار می‌شوند. پیامبر اسلام پیرامون نقش رهبری قلب و موثریتش بر اعضای وجود، فرمودند: «...أَلاَ وَإِنَّ فِی الْجَسَدِ مُضْغَةً، إِذَا صَلُحَتْ صَلحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلاَ وَهِیَ الْقَلْبُ» (آگاه باشید که در بدن آدمی پاره گوشتی است که هر زمان به صلاح آمد و شایسته شد، تمام بدن شایسته می‌گردد، و هر زمان آن پاره گوشت فاسد شد، همه بدن به تباهی می رود. بدانید که آن پاره گوشت، قلب و دل آدمی است.» [به روایت بخاری و مسلم]

بنابراین، هر انسانِ باخرد و هوشیار را می‌سزد تا در تلاش آن باشد که باعبور دل از ایستگاه‌های شیطانی و دام‌های گسترده‌ی هوای نفس، و با استفاده از رهنمون‌های الهی، دلِ خویش - این سلطان سرزمین وجود- را به سلامتی به سر منزل مقصود رساننده و این امانت مقدس الهی را برای خودش باز پس دهد؛ زیرا در آخرت و روز بازپسین و آنگاه که مال و فرزند دستگیر انسان نمی‌شود، با قلبی سالم به درگاه خدا برود و سعادت ابدی را از آن خویش نماید، {یَوْمَ لَا یَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَی اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِیمٍ} (آن روزی که اموال، [یعنی نیروی مادی]، و اولاد، [یعنی نیروی انسانی، به کسی] سودی نمی رساند. بلکه تنها کسی [نجات پیدا می کند و از اموالی که در راه آفریدگار صرف، و از اولادی که در مسیر پروردگار رهنمود کرده باشد، سود می برد] که با دل سالم [از بیماری کفر و نفاق و ریا] به پیشگاه خدا آمده باشد.} [شعراء: ۸۸ و ۸۹] به درستی همین قلب سلیم است که در روز بازپسین مایه‌ی منفعتی برای انسان می شود؛ لذا باید دانست که «قلب سلیم قلبی است که از هر خواهش و هوسی که با اوامر و منهیات الله عزوجل مخالفت نماید، سالم و به دور می‌باشد، و از هر شبهه و شکی که با گفته های الله عزوجل مغایرت داشته باشد، سالم و به دور می‌باشد. از بندگی غیر الله و قبول حکم غیر رسول الله صلی الله علیه وسلم به دور است، و در یک جمله، قلب سلیم و بی عیب، قلبی است که نه تنها از دل سپردن به غیر الله و آنچه در آن شرک است به دور می باشد، بلکه بندگی اش برای الله خالص گردیده و همراه با اراده و محبت، توکل و توبه، تواضع و خضوع، خوف و رجا، و تمنا به الله عزوجل همراه است.» [درمان امراض قلبی با نسخه قرآن و سنت، سعیدبن علی قحطانی، ص. ۱] و می بایست در راه به دست آوری سلامتی آن کوشید و تلاش نمود تا دل و قلب خویش را از همه امراض و پدیده‌های نادرست مذکور برهانیم، تا آینده ای خوب، روشن و سعادتمندی را در بهشت ابدی الهی برای خویش رقم بزنیم. لذا همچنان سزاوار است تا همواره متوجه دل و کارکردهای او باشیم؛ زیرا «کارهای دل از شمار گران سنگترین تکالیف است. در هر زمانی و بر هر شخص مکلفی بایسته است، همچنان‌که یکی از اساسی ترین شاخه‌های ایمان است، به طوری‌که وقتی کار دل رو به زوال نهد، ایمان به انزوا می‌گراید، کما این که اصلاح پذیری دیگر کارها وابسته به پاکی و اصلاح دل است. بنابراین کارهای دل پایه است و کارهای دیگر اعضا پیرو آن.» [کردارهای قلب، محمد بن صالح منجد، ص. ۵] و بدون داشتن دلی سالم و فعال، آن‌هم در زمینه‌ی امور خیر، این ممکن نخواهد بود که انسان احساس سعادت کند و یا در عالم آخرت، جایگاه والایی نزد رب العالمین داشته و به بهشت ابدی او در آید.

تغذیه کودک با شیر مادر

دکتور غلام نبی قریشی متخصص اطفال و نوزادن

شیر مادر بهترین غذا برای نوزاد است و این بهترین هدیه ی است که مادر میتواند به کودکش بدهد. شیر مادر از زمان تولد تا به شش ماهگی تمام مواد مغذی را برای رشد و نموی کودک مهیا میسازد.

نکته ی مهم این است که از زمان تولد تا به شش ماهگی باید طفل را فقط با شیر مادر تغذیه نمود و غذای مکمل تا حد ممکن برایش داده نشود.

شیر مادر باید در ظرف نیم تا یک ساعت بعد از تولد برای نوزاد شروع شود و نباید گلوکوز یا نبات داغ و یا کدام جوشانده یا روغن برای نوزاد داده شود؛ این مواد علاوه بر این که باعث می شوند کودک از تغذیه اصلی (شیر مادر) که حاوی مواد بسیار ضروری برای او است باز به ماند، باعث بوجود آمدن مشکلات اضافی نیز برای طفل می گردد.

فوائد شیرمادر:

شیر مادر تمام مواد مغذی مورد نیاز برای رشد و نموی کودک را فراهم میسازد و ترکیب این مواد مغذی طوری است که به آسانی توسط سیستم هضمی نوزاد هضم و جذب می شوند.

مواد ترکیب دهنده شیر مادر:

قند: قند شیر یا همان لاکتوز به مقدار زیاد ۶-۷ (g/dl) در شیر مادر وجود دارد. لاکتوز علاوه بر تامین انرژی، در جذب کلسیم کمک نموده و همچنین باعث رشد لاکتوباسیل می شود که یک باکتری مفید در امعا است.

پروتین:

پروتین شیر مادر در مقایسه با شیر حیوانات مانند گاو و گوسفند کم است (۰.۹-۱.۱ g/dl)، بیشترین پروتین شیر مادر (۶۰٪) را لاکتوآلبومین تشکیل می دهد که به آسانی قابل جذب است.

شیر مادر دارای آمینو اسیدهای تورین و سیستئین است که برای تسهیل و انتقال پیام های عصبی در کودک ضروری هستند، این آمینواسیدها در شیر گاو و شیر های خشک بسیار کم هستند که ضرورت نوزاد را تامین کرده نمی توانند.

شحمیات:

شیر مادر غنی از شحمیات غیر مشبوع است که برای پوش نمودن رشته های عصبی بسیار ضروری است، همچنین شیر مادر دارای اسید های شحمی امگا ۲ و امگا ۶ است که برای تولید هورمون های استروئیدی در بدن ضروری است.

ویتامین و منرال:

شیر مادر تمامی ویتامین ها و منرال های ضروری برای کودک را تا شش ماهگی داراست که بجز در چند مورد استثنائی تمامی ضروریات طفل را مرفوع میسازد. کودکانی که از شیر مادر تغذیه میشنود از ضریب هوشی (IQ) بالاتری نسبت به کودکانی که از شیر خشک استفاده می کنند برخور دارند.

فوائد شیردادن برای مادر:

مادرانی که به زودی بعد از ولادت طفل شان را شیر میدهند خون ریزی های بعد از ولادت نزد شان کمتر بوجود می آید. همچنین مادرانی که تا شش ماه، طفل شان را شیر میدهند نیازی به جلو گیری از حاملگی توسط ادویه یا کدام متود

دیگری ندارند زیرا تولید شیر باعث جلوگیری از تخمگ گذاری و عادت ماهوار نزد مادر می شود، شیر دادن طفل باعث جلوگیری از سرطان پستان نزد مادر شده و خطر آن را تاحد زیادی پائین می آورد.

ترکیب شیر مادر نظر به زمان شیردادن:

شیر مادر نظر به ضرورت نوزاد در دو سه روز اول شیر دهی و سپس در روزهای بعدی از نظر غلظت و ترکیب آن متفاوت است، همچنین شیری که در ابتدا از پستان مادر بیرون می شود تا شیری که در آخر یعنی فاصله پنج تا ده دقیقه بیرون می شود فرق می کند که این نشان از اهمیت شیردادن درست طفل توسط مادر دارد یعنی طفل باید یک پستان را خالی کند و سپس از پستان دیگر برایش شیر داده شود.

حال در زیر به ترکیب شیر در روز های مختلف و ساعات مختلف می پردازیم

کلستروم:

شیری است که در ظرف سه تا چهار روز بعد از ولادت ترشح می شود، مقدار این

شیر کم است، رنگ آن زرد و غلیظ بوده و دارای مقدار زیادی آنتی بادی و ویتامین های A, D, E و K میباشد.

شیر گذرا و یا موقت:

این شیر بعد از سه تا چهار روز تولید شده و تا دو هفته ادامه می یابد، اجزاء دفاعی یا همان آنتی بادی ها و پروتئین ها کاهش یافته ولی شحمیات و مواد قندی افزایش می یابد.

شیر پخته و یا دائمی: به تعقیب شیر گذرا تولید شده، این شیر رقیق و آبکی است اما تمام مواد مورد ضرورت برای رشد و نموی طفل را داراست، شیر دائمی دارای دو مرحله از نظر ترشح میباشد.

۱- شیری که در ابتدا در شروع شیرخوردن طفل ترشح می شود این شیر آبکی بوده یعنی دارای مقدار زیاد آب بوده و تشنگی طفل را رفع می کند همچنین غنی از پروتئین، قند، ویتامین ها و منرال میباشد.

۲- شیری که در اخیر شیر خوردن ترشح می شود این شیر غنی از شحمیات بوده علاوه بر این که منبع خوبی از انرژی است باعث بوجود آمدن حس سیری نزد طفل می شود، شیری که در آخر ترشح می شود برای رشد طفل بسیار ضروری است لذا باید تا زمانی که یک پستان کاملا تخلیه شود شیر دادن از پستان دیگر شروع نشود.

مشکلات شیر دهی:

بعضا ممکن که در طی شیردادن طفل مشکلاتی برای مادر بوجود آید که در این جا به طور مختصر به آنها می پردازیم.

تراکم شیر در پستان

(Breast engorgement):

در جریان دو تا سه روز بعد از ولادت تولید شیر زیاد می شود و اگر شیر دادن نوزاد به تاخیر افتد یا این که شیر دادن به طریق صحیح انجام نگیرد شیر در داخل پستان مادر تجمع یافته و پستان مادر سخت، متورم و دردناک می شود. درمان آن شامل استفاده از پک های آب گرم، ماساژ پستان، استفاده از ضد دردها مانند پاراستامول برای تخفیف درد و بیرون نمودن شیر (دوشیدن پستان) است.

زخم نوک پستان:

زخم نوک پستان در اثر عدم شیر دادن نوزاد بصورت صحیح بوجود می آید، اگر در زمان شیر دادن، مادر پستانش را به صورت نیمه به دهان نوزاد کند علاوه بر این که نوزاد نمی تواند بصورت کافی شیر بخورد باعث بوجود آمدن زخم در نوک پستان می گردد، همچنین زیاد شستن نوک پستان با آب و صابون می تواند باعث زخم شود، هنگامی که کودک هنوز پستان را رها نکرده پستان از دهانش کش شود، نیز باعث بوجود آمدن زخم می شود. برای درمان این مشکل؛ مادر میتواند کودکش را شیر بدهد به شرطی که به صورت صحیح پستان در دهان کودک جا بگیرد نه تنها نوک پستان، بعد از شیر دادن نوک پستان توسط شیر مادر چرب شود و بگذارد که همان طور آغشته به شیر خشک شود. نباید بعد از هر دفعه شیر دهی نوک پستان شسته شود یا توسط کرم های نرم کننده و یا پماد زخم که امروزه مروج است چرب شود. هر وقت که مادر حمام رفت می تواند نوک پستانش را نیز شستشو دهد.

ادامه صفحه ۸

امام ابن قیم رحمه الله در کتابش: «الطرق الحکمیهٔ» می‌نویسد که حضرت عثمان‌رضی الله عنه بعد از ورود شخصی به محضر ایشان گفتند: «یکی از شما در حالی به نزدم وارد می‌شود که آثار زنا در چشمش نقش بسته است! آن مرد با تعجب پرسید: آیا مگر بعد از پیامبر صلی الله علیه و سلم از نو وحی آمده‌است [چنین چیزی را شما چگونه درک کردید در حالی که آنجا حضور نداشتید؟ آیا این بدان معنی نیست که گویی از نو وحی آمده باشد؟] حضرت عثمان رضی الله عنه [که در پرتو تزکیه ی نفس و نور ایمان؛ به‌گونه ی خرق عادت، متوجه اثر زنا در چشمش شده بودند] فرمودند: نه خیر، بلکه فراست راستین و بصارت ایمانی، آن را برای من آشکار ساخت». (الطرق الحکمیهٔ: ج۱، ص۴۳)

ربیع ابن خیثم‌رحمه الله در حالی که در راه روان بود جمعی از زنان از کنار وی گذشتند، وی طوری نگاه و سرش را پائین انداخت که زنان وی را نابینا پنداشته و از شر نابینایی به خدا پناه جستند.

وکیع رحمه الله می‌گوید: با سفیان ثوری رحمه الله به نماز عید روان شدیم. [از آنجا که در اجتماع نماز عید زنان نیز شرکت دارند] وی گفت: «اولین چیزی که امروز مان را با آن آغاز می‌کنیم، فروانداختن چشم از نامحرمان است».

حسان بن ابی سنان رحمه الله چون از نماز عید برگشت، خانمش به وی گفت: به چند زن زیبا نگاه کردی؟ وی گفت: «به خدا از هنگامی که از نزدت بیرون شدم تا به نزدت برگشتم، جز به شصت پایم نگاه نکردم». (الدمشقی، غض النظر - المکتبهٔ الشاملهٔ/ الاصدار الاول: ج۱، ص۱۷)

فانوس ادب

دلا نزد کسی بنشین که او از دل خبر دارد
به زیر آن درختی رو که او گلهای تر دارد
در این بازار عطاران مرو هر سو چو بیکاران
به دکان کسی بنشین که در دکان شکر دارد
ترازو گر نداری پس تو را زو رهزند هر کس
یکی قلبی بیاراید تو پنداری که زر دارد
تو را بر در نشاند او به طراری که میآید
تو منشین منتظر بر در که آن خانه دو در دارد
به هر دیگی که میجوشد میاور کاسه و منشین
که هر دیگی که میجوشد درون چیزی دگر دارد
نه هر کلکی شکر دارد نه هر زیری زبر دارد
نه هر چشمی نظر دارد نه هر بحری گهر دارد
بنال ای بلبل دستان ازیرا ناله مستان
میان صخره و خارا اثر دارد اثر دارد
بنه سر گر نمیگنجی که اندر چشمه سوزن
اگر رشته نمیگنجد از آن باشد که سر دارد
چراغست این دل بیدار به زیر دامنش میدار
از این باد و هوا بگذر هوایش شور و شر دارد
چو تو از باد بگذشتی مقیم چشمهای گشتی
حریف همدمی گشتی که آبی بر جگر دارد
چو آبت بر جگر باشد درخت سبز را مانی
که میوه نو دهد دایم درون دل سفر دارد
مولانا جلال الدین محمد بلخی

اَهلِ نَماز میشَوَم ، جُمله نیاز میشَوَم
سوی حِجاز میشَوَم "باز مُقابِلَم تویی”
باده ی ناب میشَوَم ، شِعر و کِتاب میشَوَم
یِکسَره خواب میشَوَم ، "باز مُقابِلَم تویی”
هَمرَهِ موج میشَوَم ، راهیِ اوج میشَوَم
فوج به فوج میشَوَم ، "باز مُقابِلَم تویی”
سایه ی ماه میشَوَم ، دَر تَهِ چاه میشَوَم
راهیِ راه میشَوَم ، "باز مُقابِلَم تویی”
توی رَواق میشَوَم ، کُنجِ اُتاق میشَوَم
بَسته به طاق میشَوَم ، "باز مُقابِلَم تویی”
اینهَمه مَرد میشَوَم ، مَخزَنِ دَرد میشَوَم
ساکِت و سَرد میشَوَم ، "باز مُقابِلَم تویی”
اَز هَمه دور میشَوَم ، نقطه ی کور میشَوَم
زِنده به گور میشَوَم ،"باز مُقابِلَم تویی"
هَمدَمِ خار میشَوَم ، بی کَس و یار میشَوَم
بَر سَرِ دار میشَوَم ، "باز مُقابِلَم تویی !
مولانا_بلخی

برای خاطرم غم آفریدند
طفیل چشم من نم آفریدند
چو صبح آنجا که من پرواز دارم
قفس با بال، توام آفریدند
گهر موج آورد، آیینه جوهر
دل بی آرزو کم آفریدند
وداع غنچه را گل، نام کردند
طرب را ماتم غم آفریدند
کف خاکی که بر بادش توان داد
به خون گِل کرده آدم آفریدند
چسان تابم سر از فرمان تسلیم
که چون ابرویم از خم آفریدند؟
جهان خونریز بنیادست، هشدار!
سر سال از محرم آفریدند
بیدل دهلوی

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزادست
نصیحتی کنمت یاد گیر و در عمل آر
که این حدیث ز پیر طریقتم یادست
مجو درستی عهد از جهان سست نهاد
که این عجوزه عروس هزار دامادست
چه گویمت که به میخانه دوش مست و خراب
سروش عالم غیبم چه مژده ها دادست
که ای بلندنظر شاهباز سدره نشین
نشیمن تو نه این کنج محنت آبادست
ترا ز کنگره عرش می زنند صفیر
ندانمت که در این دامگه چه افتادست
غم جهان مخور و پند من مبر از یاد
که این لطیفه‌ی عشقم ز رهروی یادست
حافظ

تاپرچم عشق حق برافراخته ایم
از مخمل خون به تن کفن ساخته ایم
ما مفت نه سهم میبریم از خورشید
دامن دامن ستاره پرداخته آیم
قهار عاصی

آن دوره که سقف خانه ها چوبی بود
دلها همه غرق شادی و خوبی بود
حالا که نمای خانه ها سنگ شده
دلها همه با نما هم‌آهنگ شده...

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم
وین یکدم عمر را غنیمت شمریم
فردا که از این دیر فنا درگذریم
با هفت هزار سالگان سر به سریم

کمّ یا کیف، جسم یا جان!؟

نوشته‌ی بصیراحمد مبصّر

از پر ارزشترین گزاره های شرعی، مقدّم داشتن کیفیت بر کمیّت انگاشته میشود. در دید شریعت ارزش و اعتبار با کثرت عدد و فربه‌ی قیافه و حجم نیست، بلکه مدار ارزش و اهمیّت بر کیفیت و نوعیت میباشد.

اگر از سر تعمّق و تأمل درنگی هر چند گذرا بر آیات قرآنی داشته باشیم، به وضوح درمییابیم که همواره اکثریت مدار اعتبار نیست، و در موارد فراوانی گروه بیشتر که فاقد ایمان و اندیشه، و فهم و سپاسگزاری باشند، مورد عتاب و نکوهش اند. {وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يُؤْمِنُونَ} (ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند) [هود:۱۷] و {بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ} (امّا بیشتر آنان نمی فهمند و نمی دانند) [عنکبوت:۶۳] و {وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ} (ولیکن بیشتر مردمان نمی دانند.) [اعراف:۱۸۷] و {وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَشْكُرُونَ} (ولیکن بیشتر مردم شکرگزاری نمی کنند) [بقره:۲۴۳].

یا آنجا که پروردگار حکیم پیروی از اکثریت را مسیر گمراهی و کژروی تلقّی مینماید: {وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِي الأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللّهِ إِن يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلاَّ يَخْرُصُونَ} (اگر از بیشتر مردم پیروی کنی، تو را از راه خدا دور می سازند. چرا که آنان جز از ظنّ و گمان پیروی نمی کنند و آنان جز به دروغ و گزاف سخن نمی گویند.) [انعام:۱۱۶] و

و در عین حال، قرآنکریم آن تعداد کم از انسانهایی که ایمان قوی، عمل صحیح، و سپاسگزار داده های پروردگار اند را، مدح و وصف میکند: {وَإِنَّ كَثِيراً مِّنْ الْخُلَطَاء لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ} (مسلّما بسیاری از آمیزگاران و کسانی که با یکدیگر سر و کار دارند، نسبت به همدیگر ستم روا می دارند، مگر آنان که واقعاً مؤمن اند و کارهای شایسته می کنند، ولی چنین کسانی هم بسیار کم و اندک هستند) [ص:۲۴].

این حدیث محبوب دلهاصلّی الله علیه و سلّم_ نیز تقدیم کیفیت بر کمیت را به تصویر میکشد: «لیس شئٌ خیراً مِنْ ألفٍ مثله إلّا الإنسانُ» [متفق علیه]. (هیچ چیزی ارزش و نفعش بیشتر از هزار برابر چیز دیگری مانند خودش نیست، مگر انسان).

این حدیث بر نادر بودن انسان کامل و وارسته دلالت دارد، و به نحوی با این دسته بندی میان آدمیان تفاوت میگذارد.

با همین رویکرد اگر در بسیاری از آیات و روایات دینی مکثِ تؤام با تأمّل صورت گیرد، به کُنه این مسئله میتوان پی برد؛ ازین میان داستان رویارویی طالوت و جالوت و غلبه‌ی اقلّ باورمندِ به خدا بر اکثرِ کژکیشِ بد ایمان، که آیه های ۲۴۹و۲۵۰ سوره‌ی بقره مبیّن این رخداد است. و همچنان پیروزی پیامبر با یاران اش بر کافران و بدباوران در غزوه‌ی بدر، حالآنکه تعداد مؤمنان اندک و لشکر کفر چندین برابر بودند. آیات ۱۲۳سوره‌ی آل عمران و ۲۶ أنفال این نبرد سخت مؤمنان و کافران را نیک ترسیم نموده است.

و سعدیِ سخن نیز این واقعیت را با زبان شعر چه شیوا و رسا تعبیر میکند:

سیاهیِ لشکر نیاید بکار
یکی مردِ جنگی بِه از صد هزار

و از جانبی هم، جسمی تهمتن و نیرومند که با جانی سست و نزار همراه باشد، کاری را از پیش برده نمیتواند. و به تعبیری گویاتر، جسم قوی با روحی ضعیف یارای پیشبرد امور نیست و هرگز نمیتواند موفقیتها را برای صاحباش به ارمغان آرد. تنِ تندر زمانی کارا و مؤثر است که با جانی جانان و پر معنی همگام باشد.

پیام آور معنویت_ که درود و سلامتی خدا بر او باد میفرمایند: «إنّه لیأتی الرجلُ العظیمُ السمینُ یومَ القیامةُ لا یَزِنُ عندالله جَناحَ بُعُوضَةٍ» [متفق علیه] (همانا در روز قیامت مردی عظیم الجثه و چاق را میآورند که ارزش یکبال پشه در نزد خدای را ندارد.) ابوهریره رضی الله در تأیید این گفته‌ی پیامبر همواره این آیه را میخواند: {فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَومَ الْقِيامَةِ وَزْناً} (و در روز رستاخیز ارزشی برای ایشان قائل نمی شویم). [کهف: ۱۰۵] چه بسا که قدرت و قوت مایه‌ی بدبختی و بربادی برخی ها میشود. قوت آنگاه که با غرور و استکبار یکدست شده و بر مظلومان و ناتوانان بکار گرفته شود، دیر یا زود زورمندِ ظالمِ بالادست را راهی گودال هلاکت کرده و به پرتگاه پستی و نیستی فرو میغلتاند؛ مگر قوم عاد جز این بودند. از زبان قرآن بشنوید: {وَ اِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ} (هنگامی که ایشان را می بینی، پیکر، و سیمای‌شان تو را می گیرد و به شگفت می آورد) [منافقون:۴] و یا {فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ} (و امّا قوم عاد در زمین به ناحق بزرگی فروختند]و مغرورانه[گفتند: چه کسی از ما قدرت بیشتری دارد؟ مگر آنان نمی دانستند که خداوندی که ایشان را آفریده است از آنان نیرومندتر است؟! آنان]بر اثر این پندار بی اساس[پیوسته آیه‌های ما را انکار می کردند و نمی پذیرفتند.)

اما بال مقابل، گاهی انسانهای ضعیف و نحیف الجسمی یافت میشوند که ارزش و اعتبار شان در نزد پروردگار به مراتب بالاتر و والاتر از گروه پیش گفته شده است.

ابن مسعود؛ به اندازه یی ضعیف و لاغر به نظر میرسید که روزی پیش روی پیامبر و چندی از یاران از درختی بالا رفت، پایه ایش

ادامه آن به صفحه ۱۷

نوشته: د. علی القره داغی

ترجمه: محفوظه جامی الاحمدی

رحمت، نخستین خشت در بنای تعاملات‌مان

هرگاه نگاهی به جهان پیرامون مان می اندازیم دنیایی را می یابیم که بیماری های اجتماعی مختلفی درآن دامن گسترده؛ بیماری هایی چون فساد، تفرق و پارچه پارچه شدن به وضوح نمایان است و مشکلاتی چون ویرانی و کشتار و شکنجه و دیگر فتنه های بزرگ آشکارا و پنهان روبه فزونی نهاده. دنیایی را می بینیم که مصداق این سخن الله متعال قرارگرفته است آنجا که می فرماید: {ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِی النَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ الَّذِی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ} (]همیشه چنین بوده است که[تباهی و خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهائی پدیدار گشته است که مردمان انجام می داده اند. بدین وسیله خدا سزای برخی از کارهائی را که انسانها انجام می دهند بدیشان می چشاند تا این که آنان]بیدار شوند و از دست یازیدن به معاصی[برگردند) [روم:۴۱].

الله متعال در این آیه مبارکه تبیین می نماید که در بخش عظیمی از جهان فساد ظاهر شده و اماکن مختلفی از بَرّ و بحر و فضا را درنوردیده است. و این فساد فراگیر جز نتیجه ی عملکرد خود انسانها نیست؛ زیرا این انسانها هستند که به قتل و خونریزی و خوردن مال حرام و اموال مردم به ناحق دست می آلایند و هیچ التزامی به شریعت پاک الهی ندارند.

آنچه الله متعال تصریح می نماید این است که فتنه ها و بلاهایی که جوامع را درخود میبلعد جزای تمامی اعمال انسانهای فاسد نبوده بلکه جزای برخی از عملکرد آنهاست. زیرا اگر انسانهای فاسد به تمامی جزای خود در این دنیا برسند زنده جانی بر زمین باقی نخواهد ماند {ماترک علی ظهرها من دابه} لیکن الله متعال با رحمت و قدرت و مغفرت و جلال و جمال و کمال خویش با ما تعامل می کند.

همچنین بیان می دارد که چه بسا برخی از آزمون‌ها و سختی هایی که کمر افراد و جوامع را خم می کند برای تادیب و بیدار کردن آنهاست تا شاید بدین وسیله به خدا رجوع نمایند و تلاشهای خویش را در جهت هدایت به انجام رسانده و دست از بغاوت و سرکشی برداشته و مسیر رشد و تعالی شان را بیابند.

و اما مردم در برابر این فتنه ها و آزمونها به دوگروه تقسیم می شوند:

نخست آنانکه متاثر شده و از کارهای زشت خود دست کشیده و با خضوع و تضرع و التزام به سوی خدا باز می گردند.

دوم کسانی اند که این سختی ها و مصیبتها جز به فسق و فجور و طغیان و فساد شان نمی افزاید. چنان تعامل میکنند که گویا هر اتفاقی که به به اطراف‌شان می افتد، هیچ ارتباطی به آنان ندارد و این چنین تعاملی سبب آمدن مصیبتی بزرگتر خواهد بود.

حال سوال مطرح این است که چگونه می توان این فساد فراگیر را معالجه کرد؟

الله تعالی بیان نموده که این دعوت (اسلام) به خاطر معالجه ی فساد، برپاخاسته، و هدف از آمدن آن تحقق رشد و تعالی انسان و ایجاد عدالت شامل برای تمامی بشریت است به گونه ای که زمین ویژه ی جماعت یا طایفه یا گروهی خاص نبوده بلکه برای تمامی اهل زمین و جوامع بشری است و این همان هدف نهایی در استحکام قواعد صلح و امنیت و آرامش بوده و نقطه ی آغازین و پایه ی اساسی در امر خلیفه گری بر زمین است و به فضل این رسالت و به اراده ی الله متعال انسان از تاریکی به سوی نور حرکت می کند.

بر اساس همین روش استوار، پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم صحابه ی خویش را تربیت نمودند؛ زیرا جامعه ی عربی پیش از بعثت حال و وضعی بهتر از آنچه امروزه ما در آن بسر می بریم نداشت به گونه ای که خرناسه های فساد از هر سو در سطح فرد، خانواده، قبیله و جامعه به گوش میرسید و قانون جنگل رهبری جامعه را به عهده داشت. قوی ضعیف را نابود می کرد آنکس که خانواده ای قوی نمیداشت که او را حمایت کند یا قبیله ای که درسایه ی آن پناه گیرد حق زندگی نداشت تا آنجا که نوعیت زندگی در برخی حالات به شعور حیوانی تنزیل می یافت. اگر کسی به تولد دختری مژده داده می شد چهره اش از شدت خشم سیاه میشد و خویش را به خاطر این ننگ از قومش پنهان می کرد و دو راه داشت یا ننگ وجود دختر را می پذیرفت و با ذلت او را برای خود نگاه می داشت یا زنده به گورش میساخت.

خشونت و جهالت تا سرحد نوعی جنون در کشتار و ویرانی و تفرقه رسیده بود. به همین ترتیب از نگاه اقتصادی فساد آشکار بود. قدرتمندان و ثروتمندان وام‌های سنگین و کمرشکنی را بر ضعیفان لازم می گردانیدند و به این وسیله آنان را به بردگی و بندگی خویش می کشاندند. به این ترتیب فسادی بزرگ و فراگیر بیش از آنکه امروز شاهد آنیم وجود داشت.

از عمده ترین مراحل معالجه این فساد:

نخست: تربیتی بر اساس ارزشها و اصول

رسول اکرم به عنوان هادی، بشیر، نذیر و داعی الی الله ظهور یافت و با این اوصاف به معالجه ی انواع فساد پرداخت و تمامی

اشکال تفرقه را پایان داد و ملت پارچه پارچه را وحدت بخشید. تا آنجا کوشید که امت را از ضعف به قوت و از تاریکی جهل به نور علم کشاند. امتی که صاحب ارزشها و اخلاق فرومایه بود به امتی الگوی در اخلاق و ارزشهای عالیه بدل گردید. و این همان چیزی بود که بسیاری از مربیان منصف و عادل را بر آن داشت که به عظمت این رسالت و نبی آن اذعان دارند، و آنان را واداشت تا محبت خویش را به او اعلان دارند. و همین محبت و دید منصفانه سبب شد تا «مایکل هارت» نویسنده ی کتاب صدتن، نخستین کتابش را با سیرت سیدنا محمد مصطفی آغازکند و آن بزرگوار را در راس صدتن قراردهد. پیامبراکرم صلی الله علیه و سلم کسی بود که دوست و دشمن به برتری او شهادت دادند. پیامبر اکرم درمیادین تربیت، سیاست، نابودی فساد مالی و اداری و از بین بردن تفرق و بازگرداندن وحدت امت بعد از تکه پاره شدنش و بیدار ساختن آن بعد از خوابی طولانی موفق و کامیاب شد و امتی را که روبه نابودی نهاده بود زنده گردانید. این همان چیزی است که جعفر بن ابی طالب در برابر نجاشی پادشاه حبشه، زمانی که قریش گروهی را برای باز گرداندن مسلمانان نزد نجاشی فرستاده بود، بیان میدارد و می‌گوید: «ای ملک! ما مردمی جاهل بودیم که بتها را می پرستیدیم، گوشت خود مرده می خوردیم، فحشا را انجام می دادیم، صله رحم را قطع می کردیم، حق همسایه را نمی پرداختیم، قوی حق ضعیف را می خورد و در همین حالت به سر می‌بردیم تا آنگاه که الله برای‌مان رسولی را مبعوث کرد که نسب و صدق و امانت داری و پاک دامنی اش را می شناسیم ما را فراخواند تا الله را به وحدانیت بشناسیم و فقط او را عبادت کنیم و از پرستش سنگها و بتهایی که ما و پدران‌مان می پرستیدیم دوری گزینیم. ما را به راستگویی، امانت داری، صله رحم، نیکی با همسایگان و دست کشیدن از چیزهای حرام امر نمود و از فواحش، سخن ناحق، خوردن مال یتیم، تهمت به زنان پاک دامن نهی فرمود. امرکرد تا خدارا به وحدانیت عبادت کنیم و چیزی برایش شریک نگردانیم و ما را به نماز و زکات و روزه امر فرمود».

و این‌چنین بود که نجاشی ازگروه قریش کناره گیری کرد و اسلام آورد اما اسلامش را از قومش پنهان ساخت و آنگاه که خبر وفات نجاشی به رسول الله رسید در غیاب او برایش نماز جنازه خواندند.

با این ارزشها بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم توانستند انسانیت انسان را دوباره بنا کنند و اصلاح را در جمیع مجالات زندگی امت‌شان تمکین بخشند. تفرق و تمزق امت را به وحدت و عصبیت قبیلوی را به دوستی با خدا و رسول و مومنین بدل کنند. این تربیت توانست بلال را که برده ای بیش نبود و خرید و فروش می شد به جایگاهی رفیع عروج دهد و صهیب رومی را فدایی بسازد که تمام مال و ثروتش را به خاطر دین و عقیده اش قربان کند.

دوم: تزکیه قلبی وروحی

رسول الله صلی الله علیه و سلم با وحیی که از جانب الله متعال به وی می رسید امت را برکلمه‌ی واحد، ارزش‌هایی در نهایت کمال و زیبایی جمع کرد. و تمام اینها با روش حکمت و موعظه ی حسنه و الگوی صالحه و به کار گیری تربیت با عظیم‌ترین مفهومش و بلندترین اهدافش و بزرگترین وسایلش تحقق یافت {هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولًا مِّنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَإِن کَانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ}(خدا کسی است که از میان بیسوادان پیغمبری را برانگیخته است و به سویشان گسیل داشته است، تا آیات خدا را برای ایشان بخواند، و آنان را پاک بگرداند. او بدیشان کتاب]قرآن[و شریعت]یزدان[را می آموزد. آنان پیش از آن تاریخ واقعاً در گمراهی آشکاری بودند) [جمعه:۲]

او برای تزکیه درونی و بیرونی اصحابش- از رحمت و نرمی و شفقت کارگرفت {فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ کُنتَ فَظًّا غَلِیظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ}(از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان]که سر از خطّ فرمان کشیده بودند[نرمش نمودی. و اگر درشتخوی و سنگ دل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان درگذر و برایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن). [آل عمران:۱۵۹].

اما آنگاه که منهج و روش ما در دعوت مسیرش را از این جهت تغییر داد و دعوتگران ما از شدت و سنگ دلی و تفسیق و تکفیر و گمراه خواندن دیگران کارگرفتند، چیزی جز زیان عاید حال‌مان نشد و دشمن از این فرصت استفاده کرد و در جستجوی فتنه در بین ما شد.

سوم: مشوره در کارهای مهم

آنگاه که حکومت بخشی از مردم باشد و مردم حامیان حکومت و دولت خویش، دولت به پا خواهد ایستاد و امورش برابر و بدور از انحراف خواهد شد و امت به سوی تمدنی جهانی خواهد شتافت. رمز تمام اینها آیه ی {و شاورهم فی الامر} است و این روش پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بود که با هر یک از صحابه در چارچوب تخصص شان مشوره می کردند. در جنگها با کسی که خبرگی نظامی داشت مشوره می کردند، در امور زراعتی با کسی که خبرگی در عرصه زراعت داشت مشوره می نمودند. در روز بدر با تمامی مسلمانان بدون اینکه فقط از مهاجرین نظر بخواهند مشوره نمودند و این سخنشان را تکرار می کردند که: «أشیروا علیّ ایها الناس» تا آنگاه که کسی از میان اوس و دیگری از میان خزرج به نمایندگی از

انصار برخاست و به رسول الله مشوره دادند و آنگاه رسول الله مسرور شدند و چهره ی مبارک به نشانه خیر و خوبی گشاده شد.

اگر مشوره دهی و مشوره گیری در جوامع ما این‌چنین اقامه می شد، دیگر این حوادثی که امروزه در دنیای خود شاهد آنیم رخ نمی داد. امروزه می بینیم که تصمیمات و فیصله ها بدون اینکه با توجه به هویت و طبیعت و خواست مردم و جامعه باشد بر آنان املا می گردد. و از اینجاست که آنکس که گستاخ است راهی برای خوارکردن و سبک شمردن امت می یابد و در زمین به فساد دست میزند و حرث و نسل را به نابودی می کشاند.

چهارم: بکارگیری نرمی و مهربانی

از ابی رفاعه رضی الله تعالی عنه روایت است که گفت: به نبی اکرم صلی الله علیه وسلم رسیدم و ایشان در حال ایراد خطبه بودند، گفتم: ای رسول الله مردی غریب آمده و از دینش می پرسد نمی داند دینش چیست؟ ادامه داد که: رسول الله به من رو کردند وخطبه را رها نمودند و به نزدم آمدند و بعد چوکی را که گمان می کنم پایه های آهنین داشت آوردند و رسول الله بر آن نشستند شروع به آموختاندن آنچه پروردگارشان به ایشان آموخته بود به من کردند. سپس به سوی خطبه‌ی شان بازگشتند و آن را به اتمام رساندند. الله

متعال راست گفت آنگاه که فرمود: {بالمومنین رؤوف رحیم}.

چه بایدکرد؟

اگر امت اسلامی می خواهد تا راهی برای حل بحران‌ها و بیرون رفتی برای مشکلات موجوده بیابد، باید روش فراگیر و همه جانبه از تزکیه و تربیت را بپیماید و برای ایجاد قدوه ی حسنه در جوامع خود بکوشد و حکومتها و مردم و جامعه سنت مشوره دهی و مشوره گیری در تمامی امور را با مراعات حقوق متقابل هر یک از دولت و مردم در بین خود زنده کنند. دولتمردان با مردم خود در آمیزند و همه به خاطر تحقق عزت و کرامت امت تلاش ورزند.

این را نباید فراموش کرد که باید نخست این ارزشهای متعالی و اخلاق نیکو را درخانه های خود و در تعامل با همسر و فرزند و خدمتکار و... برپا داریم. زیرا همگی ما دراصلِ بنای ارزشها مساوی هستیم و این را به یاد داشته باشیم که هرگز احوال ما رو به راه نخواهد شد تا آنگاه که رحمت و مهربانی نخستین خشت بنای تعاملاتمان نگردد. تا باشد که الله متعال ما را از آنچه در سرزمین‌های ما اتفاق می افتد نجات دهد و آنگاه صفت {خیر امه اخرجت للناس} را به خود بگیریم. همان امتی که خدا و رسولش آن را میپسندند.

ادامه صفحه ۱۴

بسی باریک و ساق‌هایش از دور دید را بخود جلب میکرد. برخی از یاران بدو خندیدند. پیامبر علیه السلام_ خطاب به آنان فرمود: « «أتعجبون من دقهٔ ساقیه، والذی نفسی بیده لهما فی المیزان أثقل من أحد» [به روایت احمد] (آیا از لاغری ساق پاهای ابن مسعود تعجب می کنید؟ قسم به آن کس که جان من در دست اوست، دو (ساق) پای او در ترازوی اعمال از کوه احد سنگین تر است».

حسّان بن ثابت نیز در ذمّ قومی زبان گشوده، چنین میسراید:

لا بأسَ بالقومِ مِن طولٍ و قصرٍ
جسمُ البِغالِ و احلامُ العصافیرِ

(بلندی و کوتاهی این قوم مهم نیست، چرا که جثه هاشان جثه‌ی استر و عقل هاشان عقل گنجشک است.)

البته، باید در نظرداشت که این بدان معنا هم نیست که اسلام عزیر هیچ بهایی به جسم قوی و متین قائل نیست؛ بلکه بر عکس، خداوند متعال طالوت را به داشتن قدرت جسمی فراوان و زیادت علم میستاید: {وَزَادَهُ بَسْطَةً فِی الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ}(و دانش و [قدرت] جسم او را وسعت بخشیده است) [بقره:۲۴۷] و در حدیثی صحیح و صریح آمده است«إنّ لبدنک علیک حقّاً» (همانا جسم تو نیز بر تو حق دارد.) و همچنان در گفتهیی دیگر از پیامبر اسلام _صلی الله علیه وسلم_ که میفرمایند: «المؤمن القوی خیر و أحب إلیالله من المومن الضعیف» (ایماندار نیرومند در نزد خداوند بهتر از ایماندار ضعیف است.) [رواه مسلم]

اسلام تنها نیرو، سلامتی و زیبایی جسم را مدار و معیار برتری قرار نمیدهد، و به تنهایی آنرا نشانه‌ی مردانه‌گی بشمار نمی آورد. در حدیثی داریم: «ان الله لاینظر الی اجسادکم و صورکم، و لکن ینظر الی قلوبکم و اشار بإصبعه الی صدره» (خداوند به قیافه و جسم هایی شما نگاه نمیکند، بلکه به دل های شما مین گرد.) [رواه مسلم]

آری، برتری و فضلیت انسانها بر یکدگر به دانش و اندیشهایست که در درون دارند. و به ایمان یست که در دل جای داده اند، و عملی که برجوشیده از علم و ایمان شان است.

باید نیک توجه داشت که معیار عمل در اسلام با حجم و عدد نیست، بلکه ارزش و اهمیت آن وابسته به اخلاص، و میزان نیک بودن و دقت در انجام آن است.

پس، از آنچه گفته آمدیم به این میرسیم که: میبایست بیش از کمیت به کیفیت بها داده شود، و جسم و جان هردو را همسان پاک و پالوده نگهداشت. کیفیتها را در پای کمیتها قربان نکنیم. و همواره در صدد معنا بخشیدن به روح و روان در کنار پروردن جسم و جان باشیم.

و هم از نظر دور نداریم، که این مسئله از پرارزشترین رهنمود های دین مبین اسلام و ضرورت عینی جامعه و ملت ماست.

و هان!

آنچه تذکر رفت، پیوندی متین با فهم مقاصد و درک اولویتها در دین دارد، تا نشود خدای نکرده با برداشت های سست و سطحی در ورطه‌ی افراط یا تفریط فرو غلتیم.

ریزشی برای خیزش

نوشته: سید مسلم لبیب

سال را چهار نگاره است مختلف الحال؛ بهار و تابستان، پاییز و زمستان. رنگ رُخِ بهار و تابستان زیباست و جوان، و منظر خزان و زمستان برگریزان و خشکَ خشکان.

این چهار (فصول چهارگانه) انسانِ خردمند را وا میدارد که در دگرگونیِ احوال سال به کاویدن بیاغازد، و دستگاه حیات را از خمود و بیکاره‌گی بپالاید و چرخ های زندگی را با تغییر و تحول بیاراید و دَمی همدم نشاط شود و استخوان زنده‌گی را نیاساید و میدان حیات را با تخم یاس و ناامیدی نیالاید؛ بلکه از أبر امید بر بوستان زندگی بباراند.

آری! زرد و پژمرده شدن برگ سبز درختان در خزان و افتادن و پرپر شدن شگوفه‌گان در نظر هوشیار، خود دفتری از معرفت پروردگار است.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتریست معرفت کردگار

در پاییز، صلای سقوط و خِشخِش شاخه ها و صدای هبوط و ریزش برگها به گوش میرسد و جدایی برگ از ساقه اش قابل دید است. شاخه و ساقه از بدنه‌ی درخت کنده میشوند.

افتان افتانِ برگ در خزان و پلاسیده شدن شگوفه‌گان و سردی زمین و زمان و ریزش درختان اما، خیزش و جوانی را در پَی دارد و ساز طراوت را در نَی. جهش و تپش به طبیعت، نگاره ای خوش منظر دهد و نغمه‌ی زیبای بلبلان، دشت و دمن را خوش منظر نماید و این یعنی بهارَ بعد از پاییز و یا خیزش پس از ریزش.

این ریزش و خیزش و این فراز و فرود، عقل عقیل و لبّ لبیب را به انگیزش وادارد که نگرشی به نگارِ حال خود نماید تا "پا" در گِل پاییز گِیر نکند و خانه نگیرد و خزان، فصل همیشه‌گیِ زندگی‌اش نگردد.

اگر روز روزگاری جوی حیاتت به رکود و کوخ زندگی‌ات به سقوط، و رود آرزویت به جمود و دود تباهی‌ات به صعود آمد، مر آنرا فصل خزانِ زندگی پندار که پس از آن بهار پر طراوت آید. اگر بلبل درونت نغمه‌ی غم را به بانگ بلند سرود، و یا هم شرائط تلخ زمان، لباس شادی‌ات را کشید و با ناگواری آنرا ربود و آفتاب حزن و اندوه پرتو اش را بر خانه دلت تاباند، و صفای آنرا از قلبت زدود، آنرا به پله‌ی خزان زندگی گذار که پس از آن بهار پر طراوت آید.

اگر هموم و غموم، دلت را شکسته و تار و تناب خوشی‌ات را گسسته و غبار دلگرفته گی بر چهره ات نشسته، و برگهای سبز امیدت ریزش گرفته، آنرا فصل پاییز زنده گی بشمار که در پَی اش بهار پر طراوت آید.

و بایستی لوحه‌ی شادی بر صفحه دل نوشته و ریسمان سرور، سرشته و غبار دلگرفته‌گی از صورت بشسته و بسوی امید و امید و امید، گام برداشت. حقا، بعد از ریزش، خیزشی بایدت و پس افتادن ایستادنی و بعد از ایستادن، تکانی و جهشی.

برادر!

تو خود هستی که فصل زندگی‌ات را آنچنان که خود خواهی بر میگزینی و برای آن برنامه میریزی؛ سبزِ سبز یا خشکِ خشک!

اخبار جهان اسلام

مرد هلندی با شنیدن صدای اذان مسلمان شد

یک شهروند هلندی که به ترکیه سفر کرده بود با شنیدن صدای اذان به دین اسلام مشرف شد.

یک شهروندی هلندی به نام «رنوآنجلو جیان‌مارکو» طی سفری که به ترکیه داشت، در شهر «قیصریه» این کشور با شنیدن صدای اذان مسلمان شد.

وی که پس از تشرف به دین اسلام نام «محمد مصطفی» را برای خود انتخاب کرده است، طی سخنانی در این باره گفت: اولین باری که صدای اذان را شنیدم، هر وسیله‌ای که در دستم بود را رها کردم. یک خوشحالی وصف ناپذیری وجودم را فرا گرفت. تاکنون این احساس خرسندی را تجربه نکرده بودم.

این شهروند هلندی با بیان این که در یک خانواده مسیحی به دنیا آمده است، تصریح کرد: پس از مسلمان شدن خانواده‌ام با من برخورد بدی نداشت و حتی به این تصمیم من احترام گذاشتند. در واقع می توان گفت این رویکرد مثبت خانواده‌ام خوشحالی من را دو چندان کرد.

وی همچنین در بخشی از سخنانش با اشاره به گسترش اسلام‌هراسی در کشورهای اروپایی گفت: اکنون مسلمانان ساکن اروپا را بهتر درک می‌کنم. امیدوارم که به عنوان یک مسلمان بتوانم نقش بیشتری را برای جلوگیری از رواج اسلام‌هراسی در غرب ایفا کنم.

* * *

افزایش گرایش عمومی به «اسلام» در دنیا

مرکز تحقیقات«پیو» آمریکا در جدید ترین مطالعات خود، دین مبین اسلام را محبوب‌ترین دین رسمی در دنیا معرفی و از گسترش روزافزون این دین آسمانی تا سال ۲۰۶۰ میلادی خبر داد.

مرکز تحقیقات «پیو»(Pew Research Center)که یک اندیشکده مطالعاتی و پژوهشی مستقر در واشنگتن است در جدیدترین مطالعات منتشر شده در سایت رسمی این مرکز از افزایش گرایش به دین اسلام و گسترش روزافزون این دین آسمانی در جهان خبر داد.

بر اساس بررسی این موسسه، دین رسمی ۲۷ کشور در دنیا که عمدتا در خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارند، «اسلام» است و ۹ کشور در دنیا، آئین مسیحیت و یک کشور آئین یهودی را به عنوان دین رسمی کشور خود معرفی می‌کنند این در حالی است که سایر کشورها دین رسمی برای کشور خود معرفی نمی‌کنند.

این پژوهشکده در آخرین تحلیل و بررسی خود اعلام کرد دین اسلام همزمان با افزایش تعداد مسلمانان تا سال ۲۰۶۰ میلادی به میزان ۷۰ درصد، بیشترین گسترش را در مقایسه با سایر ادیان رسمی جهان خواهد داشت.

براساس مطالعات صورت گرفته توسط این مرکز تا سال ۲۰۱۵ میلادی، تعداد مسلمانان جهان ۱،۸ میلیارد و به میزان ۲۴،۱ درصد از افراد کل جهان است و روند گرایش مردم به اسلام رو به افزایش است.

تذهیب قرآن به ۱۱۴ شکل توسط هنرمند لبنانی

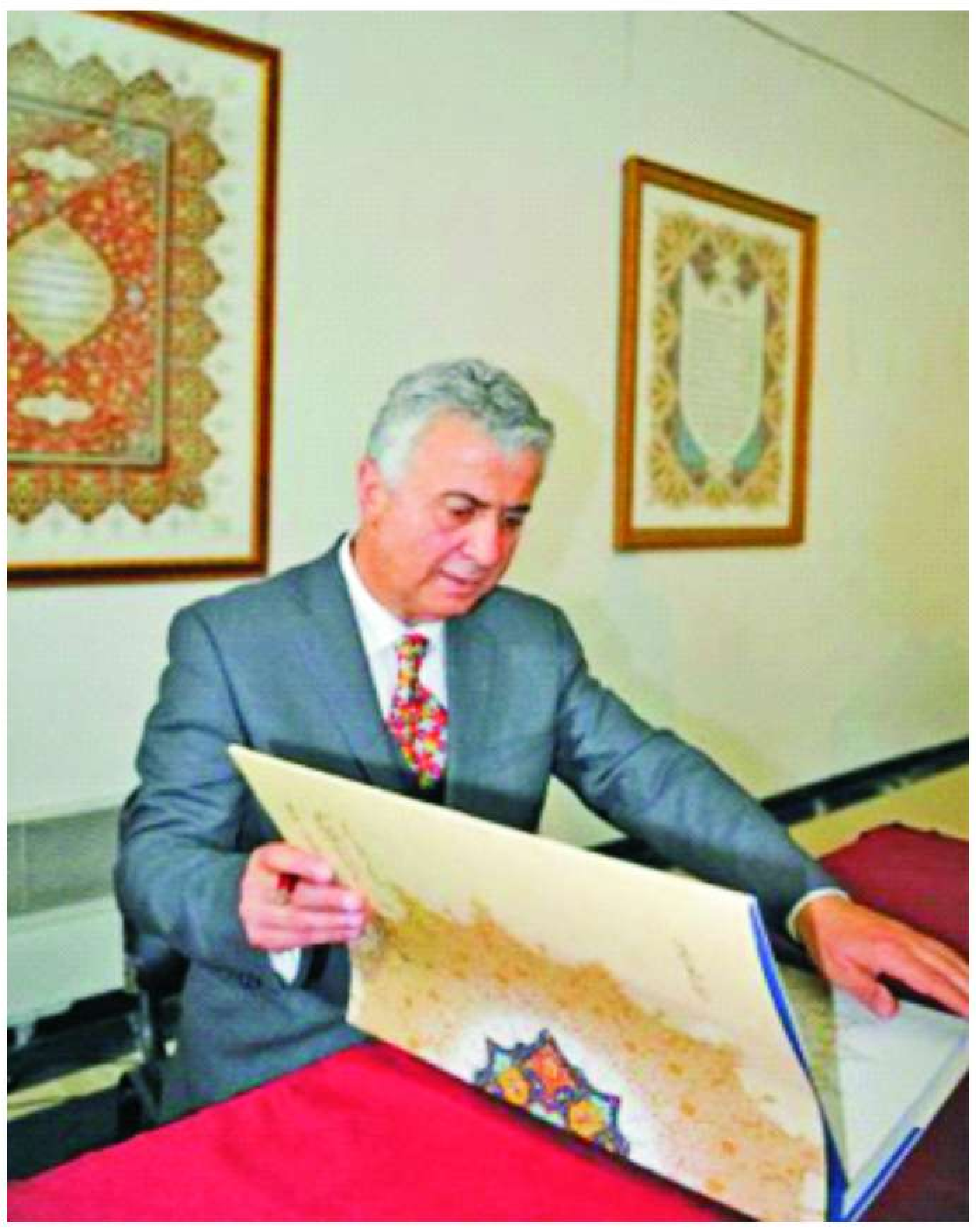

مروان العریضی، هنرمند لبنانی و کارشناس تذهیب و تمدن‌های کهن است؛ او هر یک از سوره‌های قرآن را با استفاده از هنر تذهیب طراحی و اثری زیبا را خلق کرده است.

مروان العریضی قرآنی را کتابت و طراحی کرده که در آن هر سوره‌ای به شکلی خاص و به ۱۱۴ شکل (به تعداد سوره‌های قرآن) تذهیب شده است.

مصحف این هنرمند لبنانی «الوان مدونه» نام گرفته است و کار تذهیب، کتابت و طراحی آن ۱۰ سال به طول انجامیده است.

تذهیب و خوشنویسی عربی به شکلی که در شأن قرآن کریم است، در این اثر با هم ترکیب و برای نخستین‌بار قرآنی به شیوه نو طراحی و تذهیب شده است.

تاریخچه هنر تذهیب از آغاز پیدایش در زمان امویان تا دوره عثمانی و همچنین تذهیب به سبک فارسی را در قرآن العریضی می‌توان مشاهده کرد.

این قرآن در واقع دایرهٔ المعارف هنری جامعی است که در آن اصالت هنر تذهیب در گذر زمان به تصویر کشیده شده است.

معرفی اسلام در ایلینوی آمریکا با طرح «درهای باز»

FREE EVENT
icn
THE ISLAMIC CENTER of NAPERVILLE
invites you · our friends and neighbors to our
Open MOSQUE DAY
Sunday 10.15.2017 11am-4pm
Islamic Center of Naperville

مسجد و مرکز اسلامی شهر ناپرویل در ایالت ایلینوی آمریکا از پیروان همه ادیان دعوت کرد تا در پنجمین مراسم درهای باز این مسجد شرکت کنند.

دراین مراسم جنبه‌های مختلف از اسلام و زندگی مسلمانان در غرفه‌های فرهنگی به غیرمسلمانان معرفی می‌شود.

شعیب خدری، رییس مرکز اسلامی ناپرویل در این باره گفت: غرفه‌هایی برای توضیح درباره‌ی ابعاد مختلف اسلام برپا شده است و همه شرکت‌کنندگان می توانند از این غرفه ها بازدید کرده و سوالات خود را بپرسند.

وی افزود: شرکت‌کنندگان می‌توانند با امام جماعت مسجد موضوعات مختلف را مورد بحث قرار داده و ضمن دیدار با اعضای مسجد، برگزاری نماز جماعت را از نزدیک ببینند.

* * *

برگزاری نمایشگاه هنر اسلامی در تگزاس

انجمن آسیایی تگزاس میزبان نمایشگاهی با عنوان «جهان‌شگفت‌انگیز» شده است.

در نمایشگاه تگزاس مجموعه‌ای خارق العاده از آثار هنری اسلامی از گذشته تا به حال از آسیا، آفریقا، آمریکا و اروپا در معرض دید عموم قرار گرفته است.

این نمایشگاه با همکاری موزه «نیوآرک» شهر نیوجرسی آمریکا برگزار شده است و شامل بیش از یکصد اثر هنری است که ابعاد مختلف دین، فرهنگ و زندگی مسلمانان سراسر جهان را در دوره‌های مختلف تاریخی نمایش می‌دهد.

نمایشگاه جهان‌های شگفت‌انگیز اصول اسلام را از زاویه هنری به بازدیدکنندگان معرفی می‌کند و جنبه‌های مختلف تاریخی، فرهنگی و هنری زندگی مسلمانان را نشان می‌دهد.

* * *

بازدید از مساجد در کانادا برای مقابله با اسلام هراسی

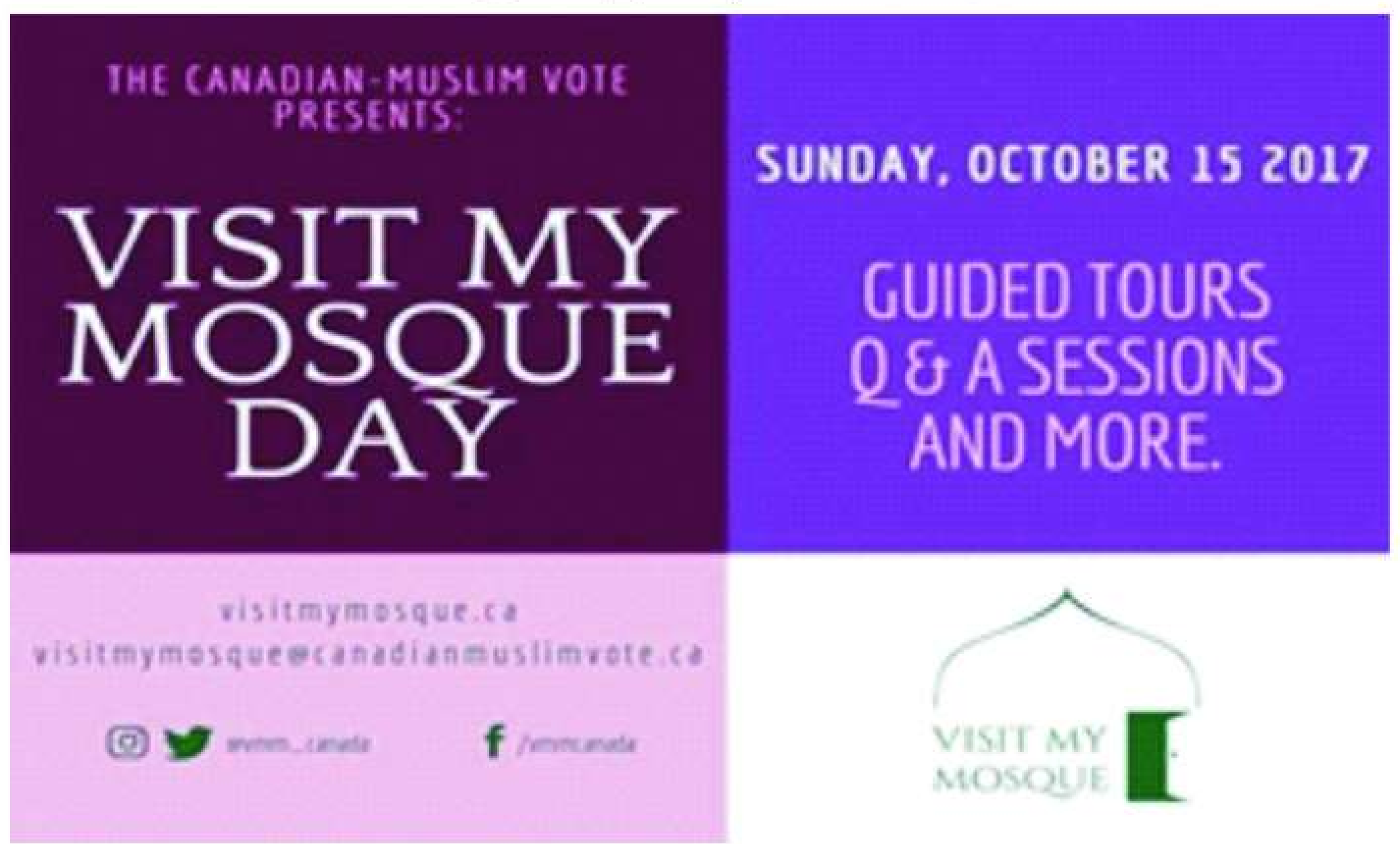
THE CANADIAN-MUSLIM VOTE PRESENTS:
VISIT MY MOSQUE DAY
SUNDAY, OCTOBER 15 2017
GUIDED TOURS
Q & A SESSIONS
AND MORE.
visitmymosque.ca
visitmymosque@canadianmuslimvote.ca
VISIT MY MOSQUE

سازمان آرای مسلمانان کانادا ۱۵ اکتبر را به عنوان روز بازدید از مساجد در سراسر این کشور اعلام کرد.

در این مراسم کلیه مساجد کانادا درهای خود را به روی پیروان ادیان مختلف باز کرده و مردم فرصتی پیدا خواهند کرد تا علاوه بر بازدید از مساجد با مسلمانان و نقش آن‌ها در توسعه کانادا آشنا شوند.

هدف از برگزاری این مراسم مقابله با اسلام‌هراسی در کانادا، تحکیم روابط مسلمانان و مردم و پرسش به سوالات غیرمسلمانان درباره اسلام است.

بازدید از مسجد روزنه‌ای برای ایجاد تعامل میان مسلمانان و غیرمسلمانان است و مسوولان برگزاری این مراسم امیدوارند به سئوالات درباره اسلام پاسخ دهند و زمینه برای تعامل بیشتر را فراهم کنند.

تجلیل از ۱۰۰ حافظ قرآن سوری در ترکیه

مراسم تجلیل از ۱۰۰ شهروند سوری پناهنده در کشور ترکیه که موفق به حفظ کامل قرآن کریم شده‌اند، در شهر «کیلیس» این کشور برگزار شد.

این مراسم به همت انجمن «الرساله» سوریه و با همکاری دارالافتاء شهر کیلیس (در جنوب ترکیه) و انجمن علمای سوریه برگزار و از ۱۰۰ شهروند سوری پناهنده در کشور ترکیه که به تازگی موفق به حفظ کل قرآن کریم شده‌اند، تجلیل شد.

«محمود قره تپه»، مفتی شهر کیلیس و «مازن ابراهیم»، رئیس انجمن «الرساله» سوریه از سخنرانان این مراسم بودند که ضمن سخنانی از مردم و دولت ترکیه به خاطر حمایت از امت مسلمان قدردانی کردند.

در پایان این مراسم، از ۸۰ زن و ۲۰ مرد سوری حافظ کل قرآن کریم با اعطای جوایزی تقدیر و تجلیل به عمل آمد و اجازه‌نامه حفظ قرآن نیز به آن‌ها اعطا شد.

گزارش: عبدالرحمن عزام

افتتاح شعبه‌ی غرب انجمن اخلاق و معرفت

انجمن اخلاق و معرفت دفتر ساحوی جمعیت اصلاح افغانستان در زون غرب، که بیش از یک و نیم دهه می شود در زمینه‌های احیای ارزش‌های دینی و برنامه‌های اسلامی در این مرز و بوم فعالیت می‌نماید، روز جمعه ۲۸ میزان سال جاری، دومین شعبه‌ی خویش را در ناحیه‌ی غرب شهر هرات (حوض کرباس) با حضور دهها تن از علما، خطبا، مجاهدین، متنفذین محلی، موی سفیدان، جوانان و نوجوانان افتتاح نمود.

افتتاح همایش ساعت ۰۲:۰۰ بعد از ظهر با گردانندگی استاد نثاراحمد احمدی و تلاوت مولوی دین محمد محمدی خطیب مسجد جامع الجهاد و استاد دارالحفاظ مرکزی، آغاز شد.

در ابتدا استاد عبدالباری قانت معاون زون غرب جمعیت اصلاح افغانستان و استاد دانشگاه هرات در جایگاه قرار گرفته و ضمن ابراز قدردانی و تقدیر از حضور پرشور مردم مومن و متدین غرب شهر هرات در این همایش معنوی، به معرفی جمعیت اصلاح پرداختند.

در ادامه استاد عبدالقادر راشد خطیب مسجد جامع خلفای راشدین شهرک سبز در جایگاه قرار گرفته و پیرامون مسؤولیت مسلمانان در قبال دعوت اسلامی به ایراد سخن پرداختند.

سپس الحاج سلطان احمد قریه دار قریه‌ی غیبتان و یک تن از مجاهدین غرب شهر، به ایراد سخن پرداخته و ضمن ابراز امتنان و اظهار خرسندی از افتتاح شعبه، جمعیت اصلاح را نیاز امروزین مردم افغانستان دانسته و آن را ابزاری محکم و متین در مقابل تهاجمات دشمن علیه اسلام دانستند. قریه دار قریه‌ی غیبتان در خلال سخنان خویش به مزیت‌های حرکت اسلامی و بیان فعالیت‌های جهادی ملت شهید پرورِ ما در قبال روسیه‌ی کمونست پرداخته و در اخیر از خداوند متعال خواستند که این نهاد ایمانی را افغانستان شمول گرداند تا در جای جای این سرزمین به فعالیت و کار اسلامی بپردازد.

سخنران بعدی برنامه مولوی گل آقا خطیب مسجد جامع امام ابوحنیفه بود که درباره‌ی جایگاه تعلیم و تربیت در اسلام سخنرانی نموده و فرمود: ما امت اقرأ هستیم که اولین گلواژه‌های فرود آمده بر پیامبر عزیز مان، دستور و فرمان «إقرأ» خواندن بود. و مشکلاتی که امروزه بر مردم و ملت ما پیش آمده، اکثرا از ناحیه‌ی فقدان تعلیم و تربیت درست و اساسی اسلامی است.

سرود جمعیت اصلاح تنوع بخش برنامه بود که به تعقیب آن مولوی نورالحق جامی واعظ مسجد جامع خرقه‌ی مبارکه و یک تن از متنفذین ولسوالی زنده جان و لایت هرات ضمن ابراز خرسندی از افتتاح شعبه، دقایق کوتاهی برای حاضرین برنامه به ایراد سخن پرداختند.

در اخیر مولوی ضیاءاحمد فاضلی واعظ مسجدجامع بزرگ شهر هرات، استاد دانشگاه و مدیر مسؤول مدرسه احیاءالعلوم هرات، زیر عنوان نقش مردم در حمایت از دعوت اسلامی به ایراد سخن پرداختند.

استاد فاضلی با مرور تاریخی سیر دعوت پیامبران الهی به شکل عام و دعوت پیامبر اسلام به شکل خاص و باذکر نمونه‌هایی از همراهی و همکاری مردم با پیامبران در امر دعوت اسلامی فرمودند: همیشه همین ملت و مردم بودند که در کنار پیامبران الهی ایستادند و تا پای جان در امر گسترش دعوت سعی و تلاش نمودند که قدم‌گزاری صحابه در اطراف واکناف زمین شاهد این مدعا است.

استاد یکی از اسباب و عوامل گسترش اسلام را اخلاق و دینداری درست صحابه قلمداد نموده و آن را نیاز امروزی امت مسلمان برشمردند. و از مردم خواستند تا با بیداری و تجربه و درس از تاریخ برای خویش آینده ای روشن و خوب رقم زده و هرگز از تربیت درست اولاد وفرزندان خویش غفلت نورزند.

پایان بخش برنامه سخنان اختتامیه‌ی مولوی عبدالولی سلیم مسؤول شعبه‌ی غرب و مدیر دارالحفاظ مرکزی بود که ضمن تقدیر و تشکر از حضور حضار، باجمع بندی برنامه و ذکر برنامه‌ها و فعالیت‌های شعبه‌ی غرب انجمن اخلاق و معرفت، همایش را به پایان رساندند.

و در اخیر برنامه با دعائیه‌ی مولوی عبدالستار واعظ، پایان یافت.

هفته‌ی فهم قرآن کریم در ولسوالی رباط سنگی

گزارش: جمعه نیاز نیازی

هفته فهم قرآن کریم

بیستمین دور هفته‌ی فهم قرآن کریم در زون غرب، در مسجد جامع ولسوالی رباط سنگی هرات با اشتراک جمع کثیری از برادران و خواهران آغاز گردید.

برنامه‌ی هفته‌ی فهم هر صبحگاه با درس قرآنی استاد محترم مولوی عبدالقدوس امینی، خطیب مسجد جامع رباط سنگی پی گرفته شد. درس روز ششم برنامه توسط استاد فرزانه مولوی عبدالسلام عابد خطیب مسجد جامع حاجی عبدالرحمن کابل تقدیم جمع بیش از یکهزار نفری خواهران و برادران حاضر گردید.

در روز پنجشنبه (مطابق روز عرفه) و واپسین روز این هفته با برکت، پس از تلاوت زیبای قرآن مجید، درسی از سوی مولوی محمد یعقوب فرهادی در رابطه با حقوق همسایه تقدیم شد. سپس توحید رب العالمین عنوان صحبتی بود از استاد مولوی عبدالقدوس امینی که استاد در رابطه با خرافات و بدعات موجود در جامعه با استناد به آیات قرآنی و احادیث نبوی صحبت نمودند.

در اخیر برنامه محترم جلیل احمد قادری گزارشی از برنامه و مصارف هفته‌ی فهم برای حضار ارائه نمودند. شعری زیبا از استاد محمد ابراهیم بهیج در رابطه به هفته‌ی فهم و دعائیه ای از مولوی عبدالقدوس امینی پایان بخش برنامه واپسین روز هفته فهم قرآن کریم در ولسوالی رباط سنگی بود. قابل ذکر است که بیش از ۱۳۵۰ تن از خواهران و برادران ما در این روز از برنامه مستفید گشتند.

فضایل اخوت و برادری

برای اولین بار شعبه‌ی رباط سنگی زون غرب جمعیت اصلاح به تاریخ ۱۴میزان ۱۳۹۶ در قریه‌ی دیزاوری آن ولسوالی کنفرانسی را باحضور و اشتراک ۱۳۰ تن اعم از علما، موی سفیدان و جوانان آن قریه برگزار نمود.

این محفل با گردانندگی محترم استاد خلیل احمد نیازی و با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید توسط قاری صاحب نثار احمد موحد آغاز یافت.

اولین سخنران برنامه محترم مولوی نورالحق عثمانی پیرامون اخوت اسلامی درسها و فضایل آن، در روشنایی تعالیم قران کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم صحبت نموده و جایگاه برادری و نقش سازنده‌ی آن در بنای شکوهمند جامعه را بررسی نمودند.

در ادامه استاد محترم و خطیب توانای مسجد جامع بزرگ ولسوالی رباط سنگی الحاج مولوی عبدالقدوس امینی پیرامون عوامل تفرقه و جدایی مسلمانان به ایراد سخن پرداختند، ایشان در خلال بیانات خود به امراضی مانند غیبت، توهین و تحقیر برادر مسلمان، تهمت و افترا و افتخارات نابجای قومی و عصبیت های قبیلوی با استناد به احکام و تعالیم قرآن و سنت خیرالبشر صلی الله علیه و سلم اشارات صریح و واضح نمودند، و از مردم مسلمان این قریه خواستند تا از این امراض مهلک دوری نمایند و برای مبارزه با آن تلاش نمایند؛ چراکه آلوده شدن به این امراض سبب هلاکت ملت ها میگردد و شیرازه‌ی شان را از هم می پاشاند.

این محفل باشکوه با دعائیه محترم قاری محمد جان قاسمی خطیب محترم قریه دیزاوری به پایان رسید.

بخش تربیت زون غرب جمعیت اصلاح به سلسله ی برنامه های تربیتی خویش اجتماع تربیتی سه روزه ی را به تاریخ ۶ و ۷ و ۸ میزان ۱۳۹۶ تدویر نمود.

برنامه بعد از تنظیم برادران و تقسیم به گروپ های دوازده گانه به نام های بزرگان حرکت اسلامی، با گردانندگی احمد صمیم منیب و تلاوت آیات روح بخش قرآنی توسط استاد فضل احمد مهاجر آغاز گردید و سپس انجینیر غلام فاروق ندیم مسوول عمومی اجتماع به ایراد صحبت مقدماتی پرداخته و از تشریف آوری برادران از ولایات فراه، نیمروز، بادغیس و ولسوالی ها و مرکز ولایت هرات قدردانی نمودند.

استاد ندیم اهداف اجتماع را به سه نکته خلاصه نمودند: تمرین منظم بودن، ارتقای جانب معنوی و روحی افراد، تعارف و شناخت نسبت به افراد و مسوولین.

سپس پیام صوتی استاد نصیراحمد نویدی رئیس شورای مرکزی جمعیت اصلاح در ارتباط به اجتماع تربیتی نشر گردید: استاد نویدی در چهار محور؛ دعوت اسلامی، مردم ما، سرزمین مان، و امت اسلامی توصیه های ارزشمند و گرانمایه ی ارایه نمودند و بیان داشتند که باید به خاطر وحدت ملی و یکپارچگی ملت خود تلاش نماییم و دوست و دشمن را در روشنایی اساسات دینی خویش بشناسیم.

در بخش دیگر از برنامه دکتور مصباح الله عبدالباقی معاون علمی پوهنتون سلام به جایگاه قرار گرفته و پیرامون فهم مقاصد دین صحبت همه جانبه ارایه نمودند.

دکتور مصباح الله در قسمتی از صحبت های شان فرمودند: بهترین روش برای فهم دین، فهم مقاصدی است که آموزه های دین را باید توسط عقل فهمید؛ چون انحراف خوارج و گروه های تکفیری و باورهای ظاهری، ها از دوری از فهم مقاصدی سر چشمه می گیرد. و عده ی دیگر نصوص دین را به بهانه عقلگرایی و فهم مقاصدی ترک می کنند و رها می سازند.

ایشان به اشتباهات فیلسوفان مسلمان در گذشته و کج روی های نواندیش نمایان در عصر حاضر نیز اشاره نموده و انحرافات شان را با دلیل قوی مردود دانستند.

دکتور مصباح الله تأکید نمود که باید مجتهد مقاصدی به این امور کاملا آگاه بوده و مسلط باشد: فقه واقع، فقه اولویات ها، فقه موازنات، متغیرات و ثوابت در دین.

بحث دیگر توسط استاد امین الله معتصم مسوول تربیت جمعیت اصلاح تحت عنوان (دستاوردهای جمعیت اصلاح افغانستان) ارایه گردید. ایشان تربیه یک مجموعه متعهد، جمع شدن افراد از تمام اقشار و زبان ها و جریان های کشور در یک محور، پشت سر گذاشتن موفقانه مراحل مختلف دعوتی، پیدا کردن جایگاه در ولایات مختلف کشور، ترتیب لوایح کاری در تمام سطوح، ایجاد سیستم تنظیمی بسیار منظم را از جمله دستاوردهای جمعیت اصلاح بر شمردند.

هم چنان استاد معتصم دستاوردهای جمعیت اصلاح را در سه محور: دستاوردهای تمدنی، مادی و معنوی به تفصیل معرفی نمودند.

یاد آخرت عنوان صحبتی بود که توسط مولوی عبدالجلیل محمدی در تاریکی شب در صحن وفضای آزاد ارایه گردید، مولوی محمدی مراحل بعد از مرگ و زندگی برزخ و نعمت و عذاب بهشت و روز حشر و محاسبه در پیشگاه الله متعال را به بررسی گرفتند و این بحث تأثیر بسیار شگفت آوری بر روحیه معنوی برادران و خدا ترسی شان گذاشت.

یکی دیگر از بحث ها توسط استاد شاه محمد بلیغ مسوول تربیت شعبه فراه جمعیت اصلاح در مورد محبت و دوستی، لازمه تنظیم دعوی ارایه گردید.

استاد بلیغ در محور های محبت با عموم مسلمانان، محبت بین دعوتگران و خواسته های محبت صحبت همه جانبه تقدیم نموده و بیان داشتند که محبت بین مسلمانان یک نعمت الهی است و باید قدر این نعمت بزرگ را بدانیم؛

چون یکی از ثمرات محبت بین مسلمانان رسیدن به بهشت برین می باشد.

در قسمت دیگر اجتماع تربیتی میزگرد خواسته های تنظیمی از عضو دعوت با گردانندگی سید مسلم لبیب ترتیب گردید.

دکتور مصباح الله عبدالباقی درمورد خواسته های تنظیمی از دعوت نسبت به فرد، استاد امین الله معتصم در مورد خواسته های تنظیمی دعوت نسبت خانوده و استاد خلیل احمد جامی در مورد خواسته های تنظیمی دعوت نسبت به جامعه بحث های علمی و ارزشمندی تقدیم نموده و در پایان به پرسش های برادران پاسخ ارایه نمودند.

آخرین بحث توسط استاد محمد شعیب دلاوری تحت عنوان (بررسی تاریخی حادثه عاشورا) ارایه گردید، استاد دلاوری بیان داشتند که حادثه روز عاشورا و شهادت امام حسین، یکی از حوادث دردآور تاریخ اسلام است که قلب هر مسلمان را دردمند می کند. ایشان حوادث قبل از شهادت حسین بن علی رضی الله عنهما را فهرست وار بیان نموده و واقعه‌ی دردناک کربلا را با استفاده از منابع موثق تاریخی به بررسی گرفته و عوامل قیام و نتایج آن را مورد کنکاش قرار دادند.

یکی از بخش های خیلی مهم و مفید و ارزشمند این اجتماع سه روزه برنامه روحی و فرهنگی بود که هم جنبه روحی و معنوی برادران را تقویت می نمود و هم برای شان نشاط و سرزندگی تولید می کرد.

برنامه با جمع بندی استاد نعمت الله سبحانی مسوول تربیت زون غرب جمعیت اصلاح و صحبت اختتامیه انجینیز غلام فاروق ندیم مسوول شعبه مرکزی هرات و دعائیه مولوی عبدالجلیل محمدی پایان یافت.

SAFA Eye Center

مرکز فوق تخصصی چشم صفا

فیکوایمولسیفیکیشن

مدرن ترین عملیات آب مروارید در سطح دنیا، اینک در شهر زیبای هرات

تحت نظر:

دکتور شمس الحق «سلیم» احراری

متخصص وجراح چشم

فیلوی فوق تخصصی از بیمارستان فوق تخصصی

چشم پزشکی فارابی تهران

Sight	ارمغان
Awarding	بینائی
For	برای
All	همه

- انجام عملیاتهای تخصصی وفوق تخصصی چشم
- معاینات «چک آپ» کامل طبقات چشم
- جراحی های چشم با امکانات مدرن و وسایل پیشرفته
- ثبت سابقه بیماران
- مشاوره های چشمی برای مریضان دیابت
- تجویز عینک وانواع لنزهای تماسی «کانتکت لنز»
- انجام معاینات چشمی شاگردان مکتب «School Screening»
- جلوگیری از نابینایی ناشی از آب سیاه «گلو کوم» وتعقیب مستمر این مریضان

شماره نوبت دهی: ۰۷۹۵۴۹۷۰۸۰

آدرس: افغانستان، هرات، چوک گلها، غرب فهیم سوپر مارکیت، پاساژ قصر طلا، طبقه دوم

اخلاق ومعرفت

وبسایت ساحوی جمعیت اصلاح افغانستان در زون غرب

www.Akhlaqmarefat.com

سایت اخلاق ومعرفت با مطالب مفید ومتنوع اسلامی در خدمت هموطنان عزیز وگرامی قرار دارد.

* دانلود کامل قرآنکریم و اذان از تمام قاریان مشهور جهان

* دانلود اناشید اسلامی

* دانلود ماه نامه معرفت نامه بصورت پی دی اف

* دانلود مقالات علمی و اسلامی

* دانلود مجموعه تفاسیر اهل سنت برای گوشی های هوشمند

*دانلود نرم افزار های کامپیوتری

* دانلود و مشاهده‌ی هفته های فهم قرآنکریم درهرات

* دانلود ومشاهده‌ی سلسله درس های در سایه های قرآن.

تصویری از سایت اخلاق ومعرفت

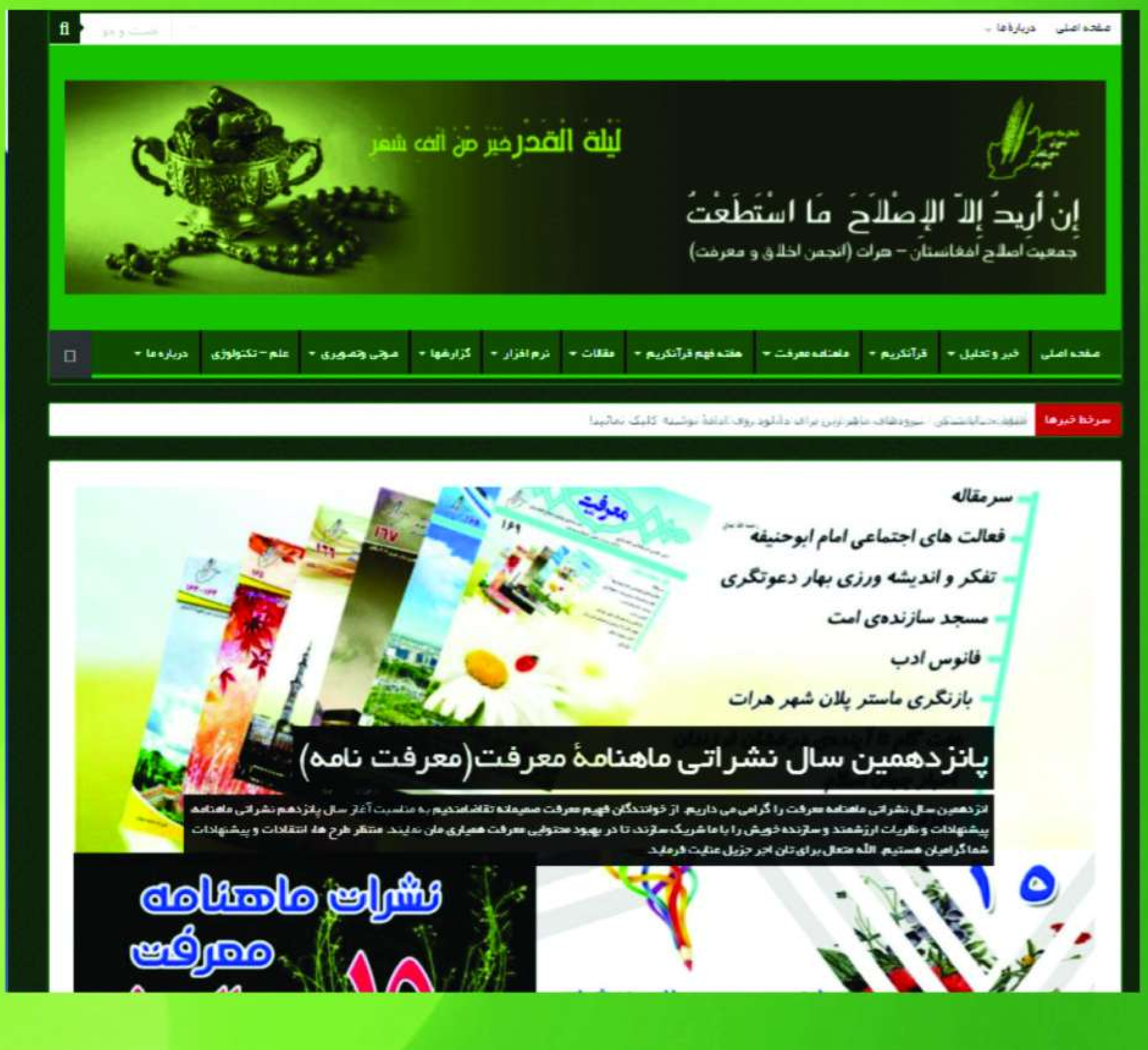
صفحه اصلی
درباره ما
لیلة القدر خیر من الف شهر
إن أريد إلا الإصلاح ما استطعت
جمعیت اصلاح افغانستان - هرات (انجمن اخلاق و معرفت)
صفحه اصلی
خبر و تحلیل
قرآنکریم
ماهنامه معرفت
هفته فهم قرآنکریم
مقالات
نرم افزار
گزارشها
صوتی وتصویری
علم - تکنولوژی
درباره ما
سرخط خبرها
سرمقاله
فعالت های اجتماعی امام ابوحنیفه
تفکر و اندیشه ورزی بهار دعوتگری
مسجد سازنده‌ی امت
فانوس ادب
بازنگری ماستر پلان شهر هرات
معرفت
۱۵
نشرات ماهنامه
معرفت

پانزدهمین سال نشراتی ماهنامهٔ معرفت(معرفت نامه)

پانزدهمین سال نشراتی ماهنامه معرفت را گرامی می داریم. از خوانندگان فهیم معرفت صمیمانه تقاضامندیم به مناسبت آغاز سال پانزدهم نشراتی ماهنامه پیشنهادات و نظریات ارزشمند و سازنده خویش را با ما شریک سازند تا در بهبود محتوایی معرفت همیاری مان نمایند. منتظر طرح ها انتقادات و پیشنهادات شما گرامیان هستیم. الله متعال برای تان اجر جزیل عنایت فرماید